



مرکز بررسی‌های استراتژیک  
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



## چین و جهان در عصر جدید

عادی

شماره مسلسل: ۳۲۳

کد گزارش: ۹۸-۱۲۶

۴ آبان ۱۳۹۸

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## عادی

شماره مسلسل: ۳۲۳

کد گزارش: ۹۸-۱۲۶

عنوان گزارش: چین و جهان در عصر جدید

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۴ آبان ۱۳۹۸

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.  
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

## فهرست مطالب

|    |   |
|----|---|
| ۱  | چکیده مدیریتی   |
| ۳  | پیشگفتار  |
| ۴  | فصل ۱. چین مسیر توسعه را متناسب با شرایط واقعی خود پیدا کرده است  |
| ۴  | ۱.۱. توسعه چین در اعتماد به نفس و سخت کوشی نهفته است  |
| ۸  | ۲.۱. چین در حال توسعه از طریق تعامل با جهان است   |
| ۹  | ۳.۱. چین انرژی مثبت را به صلح و توسعه جهانی تزریق کرده است  |
| ۱۱ | ۴.۱. مسیر توسعه چین مطابق با واقعیت و الزامات زمان است  |
| ۱۴ | فصل ۲. توسعه چین فرصتی برای جهان است  |
| ۱۴ | ۱.۲. چین اصلی‌ترین نیروی ثبات‌بخش و منبع قدرت اقتصاد جهانی است  |
| ۱۷ | ۲.۲. گشایش همه‌جانبه فرصت‌های بیشتری را برای همه کشورها ایجاد می‌کند تا مزایای توسعه چین را به اشتراک بگذارند |
| ۲۰ | ۳.۲. چین خیر همگانی بیشتری را به جامعه بین‌المللی ارائه می‌دهد  |
| ۲۲ | ۴.۲. توسعه چین، تجربه و مرجعی برای سایر کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند                                     |
| ۲۳ | ۵.۲. چین هرگز به دنبال هژمونی (سلطه) نخواهد بود   |
| ۲۵ | فصل ۳. جهانی مرفه و زیبا آرزوی مشترک همه مردم است   |
| ۲۵ | ۱.۳. جهان در حال تجربه بزرگترین تغییرات در طول یک قرن گذشته است   |
| ۲۷ | ۲.۳. ساخت یک جامعه جهانی با آینده مشترک   |
| ۲۸ | ۳.۳. ایجاد الگوی جدیدی از روابط بین‌الملل   |
| ۲۹ | ۴.۳. ترویج الگوی جدید جهانی‌شدن اقتصادی   |
| ۳۱ | ۵.۳. تقویت نظام بین‌الملل با محوریت سازمان ملل متحد   |
| ۳۲ | ۶.۳. ارتقاء تبادلات و یادگیری متقابل در میان تمدن‌ها  |
| ۳۲ | فصل ۴. چین برای جهانی بهتر مشارکت می‌کند  |
| ۳۳ | ۱.۴. ارتقاء صلح و توسعه جهانی از طریق توسعه خود ما  |
| ۳۴ | ۲.۴. تعقیب همکاری سودمند دوجانبه و توسعه مشترک  |
| ۳۵ | ۳.۴. حمایت و پیشبرد جهانی‌شدن اقتصادی   |
| ۳۶ | ۴.۴. توسعه مشارکت‌های جهانی   |
| ۳۸ | ۵.۴. حمایت از چند جانبه‌گرایی و تقویت انصاف و عدالت بین‌المللی  |
| ۴۰ | ۶.۴. اصلاح و توسعه نظام حکمرانی جهانی   |
| ۴۲ | نتیجه‌گیری  |

## چکیده مدیریتی

دفتر اطلاعات شورای دولتی چین، که بازوی رسانه‌ای دولت در پکن محسوب می‌شود؛ روز جمعه ۵ مهر ماه ۱۳۹۸ (۲۷ سپتامبر ۲۰۱۹) همزمان با هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین، سندی را تحت عنوان «چین و جهان در عصر جدید» منتشر کرده که به تشریح رویکردهای کلان سیاست خارجی پکن پرداخته است. اصل این سند مشتمل چهار فصل است: فصل یک. چین مسیر توسعه را متناسب با شرایط واقعی خود پیدا کرده است؛ فصل دو. توسعه چین فرصتی برای جهان است؛ فصل سه. جهانی مرفه و زیبا آرزوی مشترک همه مردم است؛ فصل چهار. چین برای جهانی بهتر مشارکت می‌کند. بر اساس فصول ذکر شده مهمترین موارد به شرح زیر زیر تقدیم می‌گردد:

❖ مهم‌ترین نکته در این سند، تأکید چین بر «صلح‌آمیز» بودن رشد اقتصادی و سیاسی آن است. این سند تأکید دارد که چین با وجود تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی و سیاسی، هرگز به دنبال استیلا بر جهان نیست و نباید رشد این کشور را یک «تهدید» تلقی کرد. این سند رشد اقتصادی چین را «فرصتی برای جهان» توصیف کرده و نوشته است: «با رشد سریع مجموعه قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی چین، برخی نگرانند که چین به تبعیت از یک دیدگاه تاریخ‌گذشته، پس از قدرت گرفتن، برای رسیدن به هژمونی تلاش کند. در نتیجه، آن‌ها نظریه به اصطلاح «تهدید چین» را طرح کرده‌اند. از نگاه چین، سوءتفاهمات شناختی، پیش‌داوری نهادینه‌شده و عدم بی‌طرفی روانی عواملی‌اند که به شکل‌گیری این نظریه منجر شده‌اند».

❖ در بخشی از این سند تحت عنوان «چین هرگز به دنبال هژمونی نخواهد بود»، آمده است: «درست است که در گذشته کشورها پس از قدرتمند شدن به دنبال رسیدن به هژمونی رفته‌اند، اما این یک قانون تاریخی نیست. اگر کسی رفتار کشورهای غربی را معیار قرار دهد و رفتار آن‌ها را به عنوان الگوی رفتاری چین در نظر بگیرد، به نتیجه‌ای نادرست و عاری از حقیقت می‌رسد».

❖ این سند توسعه صلح‌آمیز را «میراثی بازمانده از تمدن چینی» توصیف و عنوان کرده است: «توسعه‌طلبی و هژمونی با منافع چین و اراده مردم این کشور در تضاد است... دنبال کردن هژمونی و نظامی‌گری صرفاً قدرت ملی را به هدر داده و به افول منجر می‌شود. در تاریخ بشری، تلاش قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به هژمونی به جنگ‌های مکرر، کشته‌شدن افراد، عقب‌ماندگی بشری و حتی عقب‌گرد تمدن بشری منجر شده است... چین به صورت طبیعی توسعه می‌یابد و قدرتمندتر می‌شود؛ اما مایل نیست در این روند هیچ کشور دیگری را تهدید کند، به چالش بکشد، کنار بزند، جایگزین آن شود و یا اینکه به هژمونی برسد».

❖ پکن در این سند دیدگاه خود در مورد آینده روابط بین‌الملل را نیز تشریح کرده است: «مدل تازه روابط بین‌الملل باید بر مبنای احترام متقابل، برابری و عدالت و همکاری حائز منفعت دوجانبه باشد. احترام متقابل بر مبنای برابری میان تمام کشورها، بزرگ و کوچک، قدرتمند و ضعیف، غنی و فقیر، باشد. هر کشور، باید به نظام سیاسی کشورهای دیگر، حق



آن‌ها برای انتخاب مسیر توسعه و منافع و دغدغه‌های آن‌ها، احترام بگذارد. همه باید با سیاست‌بازی قدرت‌ها، هژمونی و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها مخالفت کنند.

❖ در این سند از نقش چین در مذاکرات هسته‌ای با ایران به عنوان یکی از نمونه‌های تلاش پکن برای دستیابی به راهکار سیاسی در مناقشات بین‌المللی یاد شده است.

❖ ساخت یک جامعه جهانی با آینده مشترک، پیشنهادی اصولی و کاملاً نظام‌مند است. این پیشنهاد به لحاظ سیاسی، از احترام و رایزنی متقابل بر پایه برابری حمایت می‌کند، با ذهنیت جنگ سرد و سیاست قدرت مخالفت می‌ورزد و رویکرد جدیدی را برای روابط دولت با دولت در نظر می‌گیرد؛ موضوعی که گفتگو را به جای تقابل ارائه می‌دهد و به جای «اتحاد» به دنبال «مشارکت» است.

❖ سند تأکید دارد که ابتکار کمربند و راه، صرفاً برنامه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی، و نه برای اتحاد ژئوپلیتیکی یا نظامی است. این یک فرآیند باز و فراگیر است که هیچ یک از طرفین را هدف قرار نمی‌دهد و هیچ کشوری را هم مستثنی نمی‌کند. هدف این ابتکار به جای تشکیل بلوک‌های مطرود، کمک به چین و سایر نقاط جهان است که به‌طور مشترک فرصت‌ها را در اختیار گیرند و توسعه مشترک را دنبال کنند. هدف از آن اجتناب از تعیین حدود ایدئولوژیک، بازی‌های حاصل جمع صفر یا بازی «تله‌ها» است.

❖ این نقشه راه در حالی منتشر می‌شود که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا و حلقه مشاوران وی در امور شرق آسیا، بارها چین را به توسعه‌طلبی و تلاش برای رسیدن به استیلای بین‌المللی متهم کرده‌اند.

کاخ سفید در تلاش برای مقابله با نفوذ روزافزون چین، در سال ۲۰۱۲، راهبردی موسوم به «راهبرد ایندوپاسیفیک آزاد و گشوده» را اعلام نمود و در سال ۲۰۱۴ نیز، پنتاگون راهبرد «جبرانی سوم» را رونمایی کرد. تجمیع این راهبردها، در حوزه‌های مختلف از تجارت گرفته تا فناوری اطلاعات و مسائل نظامی، قوانینی را برای مقابله با افزایش قدرت چین تصویب کرده است. در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، برای اولین بار از چین در کنار روسیه به عنوان یک «تهدید» یاد شده که باید با رشد آن مقابله کرد. این نگاه به چین، در سیاست‌های دولت کنونی آمریکا در قبال تجارت بین‌المللی، دریانوردی در دریای چین جنوبی، قضایای هنگ کنگ و تایوان و همچنین مبحث اینترنت نسل ۵G مشهود بوده است.

❖ دفتر اطلاعات شورای دولتی چین، که بازوی رسانه‌ای دولت در پکن محسوب می‌شود؛ روز جمعه ۵ مهر ماه ۱۳۹۸ (۲۷ سپتامبر ۲۰۱۹) همزمان با هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین، سندی را تحت عنوان «چین و جهان در عصر جدید» منتشر کرده که به تشریح رویکردهای کلان سیاست خارجی پکن پرداخته است.

❖ بدنه اصلی این سند مشتمل بر یک پیشگفتار، چهار فصل و یک نتیجه‌گیری نهایی در قالب ۴۹ صفحه به ترتیب زیر است:

✓ فصل ۱. چین مسیر توسعه را متناسب با شرایط واقعی خود پیدا کرده است.

✓ فصل ۲. توسعه چین فرصتی برای جهان است.

✓ فصل ۳. جهانی مرفه و زیبا آرزوی مشترک همه مردم است.

✓ فصل ۴. چین برای جهانی بهتر مشارکت می‌کند.

❖ مهم‌ترین نکته در این سند، تأکید چین بر «صلح‌آمیز» بودن رشد اقتصادی و سیاسی آن است. این سند تأکید دارد که چین با وجود تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی و سیاسی، هرگز به دنبال استیلا بر جهان نیست و نباید رشد این کشور را یک «تهدید» تلقی کرد.

❖ این سند رشد اقتصادی چین را «فرصتی برای جهان» توصیف کرده و نوشته است: «با رشد سریع مجموعه قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی چین، برخی نگرانند که چین به تبعیت از یک دیدگاه تاریخ گذشته، پس از قدرت گرفتن، برای رسیدن به هژمونی تلاش کند. در نتیجه، آن‌ها نظریه به اصطلاح «تهدید چین» را طرح کرده‌اند. از نگاه چین، سوء تفاهمات شناختی، پیش‌داوری نهادینه‌شده و عدم بی‌طرفی روانی عواملی‌اند که به شکل‌گیری این نظریه منجر شده‌اند.

❖ در بخشی از این سند تحت عنوان «چین هرگز به دنبال هژمونی نخواهد بود»، آمده است: «درست است که در گذشته کشورها پس از قدرتمند شدن به دنبال رسیدن به هژمونی رفته‌اند، اما این یک قانون تاریخی نیست. اگر کسی رفتار کشورهای غربی را معیار قرار دهد و رفتار آن‌ها را به عنوان الگوی رفتاری چین در نظر بگیرد، به نتیجه‌ای نادرست و عاری از حقیقت می‌رسد».

❖ سند جدید سیاست خارجی چین با بیان اینکه عبارت «توسعه صلح‌آمیز» تنها یک لفظ دیپلماتیک یا پوششی برای اهداف پکن نیست، تأکید کرده است: «چین، فارغ از آنچه که در دنیا رخ دهد و نحوه رشد خود، هرگز نه به دنبال هژمونی یا توسعه‌طلبی خواهد بود و نه برای ایجاد حوزه نفوذ تلاش خواهد کرد».

❖ این سند توسعه صلح‌آمیز را «میراثی بازمانده از تمدن چینی» توصیف و عنوان کرده است: «توسعه‌طلبی و هژمونی با منافع چین و اراده مردم این کشور در تضاد است... دنبال کردن هژمونی و نظامی‌گری صرفاً قدرت ملی را به هدر داده و به افول منجر می‌شود. در تاریخ بشری، تلاش قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به هژمونی به جنگ‌های مکرر، کشته شدن افراد، عقب‌ماندگی بشری و حتی عقب‌گرد تمدن بشری منجر شده است... چین به صورت طبیعی توسعه می‌یابد و قدرتمندتر می‌شود؛ اما مایل نیست در این روند هیچ کشور دیگری را تهدید کند، به چالش بکشد، کنار بزند، جایگزین آن شود و یا اینکه به هژمونی برسد».



- ❖ در ادامه این سند، از چین به عنوان «مهمترین عامل ثبات و منبع قدرت اقتصاد جهانی» یاد و عنوان شده است که رشد اقتصادی چین، هم فرصت‌های تازه‌ای برای کشورهای دیگر ایجاد می‌کند و هم می‌تواند منبع الهامی برای کشورهای در حال توسعه باشد.
- ❖ پکن در این سند دیدگاه خود در مورد آینده روابط بین‌الملل را نیز تشریح کرده است: «مدل تازه روابط بین‌الملل باید بر مبنای احترام متقابل، برابری و عدالت و همکاری حائز منفعت دوجانبه باشد. احترام متقابل بر مبنای برابری میان تمام کشورها، بزرگ و کوچک، قدرتمند و ضعیف، غنی و فقیر، باشد. هر کشور، باید به نظام سیاسی کشورهای دیگر، حق آن‌ها برای انتخاب مسیر توسعه و منافع و دغدغه‌های آن‌ها، احترام بگذارد. همه باید با سیاست‌بازی قدرت‌ها، هژمونی و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها مخالفت کنند.
- ❖ در این سند از نقش چین در مذاکرات هسته‌ای با ایران به عنوان یکی از نمونه‌های تلاش پکن برای دستیابی به راهکار سیاسی در مناقشات بین‌المللی یاد شده است.
- ❖ ساخت یک جامعه جهانی با آینده مشترک، پیشنهادی اصولی و کاملاً نظام‌مند است. این پیشنهاد به لحاظ سیاسی، از احترام و رایزنی متقابل بر پایه برابری حمایت می‌کند، با ذهنیت جنگ سرد و سیاست قدرت مخالفت می‌ورزد و رویکرد جدیدی را برای روابط دولت با دولت در نظر می‌گیرد؛ موضوعی که گفتگو را به جای تقابل ارائه می‌دهد و به جای «اتحاد» به دنبال «مشارکت» است.
- ❖ سند تأکید دارد که ابتکار کمربند و راه، صرفاً برنامه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی، و نه برای اتحاد ژئوپلیتیکی یا نظامی است. این یک فرآیند باز و فراگیر است که هیچ یک از طرفین را هدف قرار نمی‌دهد و هیچ کشوری را هم مستثنی نمی‌کند. هدف این ابتکار به جای تشکیل بلوک‌های مطرود، کمک به چین و سایر نقاط جهان است که به‌طور مشترک فرصت‌ها را در اختیار گیرند و توسعه مشترک را دنبال کنند. هدف از آن اجتناب از تعیین حدود ایدئولوژیک، بازی‌های حاصل جمع صفر یا بازی «تله‌ها» است.
- ❖ این نقشه راه در حالی منتشر می‌شود که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا و حلقه مشاوران وی در امور شرق آسیا، بارها چین را به توسعه‌طلبی و تلاش برای رسیدن به استیلا بین‌المللی متهم کرده‌اند.
- ❖ کاخ سفید در تلاش برای مقابله با نفوذ روزافزون چین، در سال ۲۰۱۲، راهبردی موسوم به «راهبرد ایندو پاسیفیک آزاد و گشوده» را اعلام نمود و در سال ۲۰۱۴ نیز، پنتاگن راهبرد «جبرانی سوم» را رونمایی کرد. تجمیع این راهبردها، در حوزه‌های مختلف از تجارت گرفته تا فناوری اطلاعات و مسائل نظامی، قوانینی را برای مقابله با افزایش قدرت چین تصویب کرده است. در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، برای اولین بار از چین در کنار روسیه به عنوان یک «تهدید» یاد شده که باید با رشد آن مقابله کرد. این نگاه به چین، در سیاست‌های دولت کنونی آمریکا در قبال تجارت بین‌المللی، دریانوردی در دریای چین جنوبی، قضایای هنگ‌کنگ و تایوان و همچنین مبحث اینترنت نسل ۵G مشهود بوده است.
- ❖ لازم به یادآوری است که دوم مرداد ماه ۱۳۹۸ نیز، دفتر اطلاعات شورای دولتی چین، کتاب سفید این کشور را تحت عنوان «دفاع ملی چین در عصر جدید» منتشر کرد.



## پیشگفتار

سال ۲۰۱۹ میلادی، مصادف با هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین (PRC) است. در طول ۷۰ سال گذشته، تحت رهبری و زعامت حزب کمونیست چین (CPC)، جمهوری خلق چین شاهد تحولات عمیق و گسترده‌ای بوده و به معجزه‌ای از پیشرفت بی‌سابقه در تاریخ بشر دست یافته است. تنها ظرف چند دهه، چین دوره‌ای را پشت سر گذاشته است که طی چند صد سال کشورهای توسعه یافته تجربه کرده‌اند. چین اکنون به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است، که به واسطه آن، نیازهای مادی نزدیک به ۱,۴ میلیارد نفر را تأمین و مراقبت می‌کند و به رونق همه‌جانبه‌ای رسیده است. مردم این کشور از کرامت و حقوقی که قبلاً برای آنها ناشناخته بوده، برخوردارند. این امر تغییر شگرفی را برای چین به همراه آورده است. این موضوع همچنین پیشرفتی چشمگیر برای جامعه بشری و مهم‌تر از همه، سهم قابل توجهی از طرف چین در صلح و توسعه جهانی به حساب می‌آید.

چین با جمعیتی زیاد و بنیادهایی که باید بیشتر تقویت شوند، بزرگترین کشور در حال توسعه جهان است. برخی از اصول چین و {حاکم بر این کشور} بدون تغییر باقی مانده‌اند، و بنابراین چین هنوز هم با چالش‌های جدی روبرو است. مردم چین هنوز کارهایی دارند که باید انجام دهند. دنیای امروز دستخوش مرحله‌ای از تغییر و تحولات عمیق شده که طی صد سال گذشته تجربه نشده است. جامعه بشری مملو از امید و چالش است. قطبیت چندگانه، جهانی‌شدن اقتصادی، تنوع فرهنگی و همچنین فناوری اطلاعات، دسترسی آحاد مردم را گسترش می‌دهد. صلح و توسعه همچنان مضامین پایدار زمان و روزگار کنونی هستند. در عین حال، مشکلات دیرینه همچنان در سراسر جهان آشکار است و بی‌ثباتی و عدم قطعیت در حال افزایش است. ایجاد جامعه جهانی با آینده مشترک و ایجاد دنیای بهتر، آرزوهای مشترک همه مردم جهان است.

چین وارد دوره جدید توسعه شده است. چین اکنون بر جهان تأثیر می‌گذارد که این {اثرگذاری به نسبت گذشته}، همه‌جانبه‌تر، عمیق‌تر و طولانی‌مدت است و جهان توجه بیشتری به چین می‌کند. چین چه مسیری را طی کرده؟ چین به کجا می‌رود؟ اهداف چین در شکل دادن به جهان چیست؟ چگونه چین در حال توسعه با سایر جهان تعامل خواهد داشت؟ به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین، دولت چین این کتاب سفید را منتشر می‌کند تا به سؤالات جهان در مورد چین پاسخ دهد و به جامعه جهانی کمک کند تا پیشرفت چین را بهتر درک کند.





## فصل ۱. چین مسیر توسعه را متناسب با شرایط واقعی خود پیدا کرده است

چین کشوری بزرگ و دارای تمدنی ۵۰۰۰ ساله است. در طی یک دوره طولانی از تاریخ، چین در بین پیشرفته‌ترین کشورهای جهان قرار گرفت. در دوران مدرن، چین قربانی فقر و ضعف مفرط بود و به‌واسطه تهدیدهایی چون نزاع‌های داخلی و تجاوز خارجی، حتی با مرگ و زوال کامل روبرو شد؛ اما از طریق مبارزه بی‌امان، چینی‌ها آرزوی سعادت و جوان‌سازی کشورشان و خوشبختی مردم را دنبال کردند. در سال ۱۹۴۹، تحت رهبری حزب کمونیست چین، آنها جمهوری خلق چین را تأسیس نمودند، جامعه‌ای نیمه‌استعماری و نیمه‌فئودالی را به یک کشور واحد و کاملاً جدید تبدیل کردند و نهایتاً به استقلال ملی و آزادی مردم دست یافتند. سپس چین دوره جدید توسعه شد. در طی ۷۰ سال گذشته، این کشور با وجود همه اختلافات به جلو پیش رفته است، و مسیر پیشرفت را جستجو می‌کند. براساس فرهنگ ۵۰۰۰ ساله چینی، مردم این کشور تجربه و درس‌هایی از بدو تولد سوسیالیسم، چرخش پاییز و رو به رشد ملت چین در ۱۷۰ سال تاریخ انقلاب، نوسازی و اصلاحات در اختیار دارند. از همین‌رو، چین مسیر سوسیالیسم را با خصوصیات چینی گشود و به نتایج قابل توجهی دست یافت.

### ۱.۱. توسعه چین در اعتماد به نفس و سخت‌کوشی نهفته است

در اوایل دوره جمهوری خلق چین، پس از یک قرن جنگ و هرج و مرج، کشور و مردم در فقر شدید قرار داشتند، پایه‌های صنعتی و کشاورزی ضعیف بودند و اقتصاد در آستانه فروپاشی قرار داشت. مردم در جستجوی بقا و پیشرفت با مشکلات غیرقابل‌تصور روبرو بودند. ظرف هفت دهه پس از آن، با اعتماد به نفس و سخت‌کوشی، کشور را از نقطه «هیچ چیز» بازسازی کردند و افق‌های جدیدی را گشودند.

در این مدت، قدرت اقتصادی چین بسیار افزایش یافته است. از سال ۱۹۵۲ تا ۲۰۱۸، ارزش افزوده صنعتی چین از ۱۲ میلیارد رنمینبی (RMB) به ۵,۵ هزار میلیارد رنمینبی افزایش یافت، که در قیمت‌های ثابت ۹۷۰ برابر افزایش یافته است و میانگین رشد سالانه آن ۱۱ درصد است. تولید ناخالص داخلی از ۶۷,۹ میلیارد رنمینبی به ۹۰ هزار میلیارد رنمینبی، افزایشی ۱۷۴ برابری در قیمت‌های ثابت، با متوسط رشد سالانه ۸,۱ درصد و تولید ناخالص داخلی سرانه از ۱۱۹ رنمینبی به ۶۴,۶۴۴ رنمینبی را نشان می‌دهد، که این میزان ۷۰ برابر قیمت ثابت است. براساس آمارهای بانک جهانی، شاخص بازار بورس چین در سال ۲۰۱۸ به ارزش ۱۳,۶ هزار میلیارد دلار آمریکا، در رتبه دوم اقتصاد دنیا پس از ایالات متحده که ارزش شاخص بورس آن ۲۰,۵ هزار میلیارد دلار است قرار گرفته است. در حال حاضر چین تنها کشور عضو سازمان ملل است که در «طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تمامی رشته‌های فعالیت‌های اقتصادی»<sup>۱</sup> با تولید بسیاری از محصولات صنعتی، رتبه اول جهان را در اختیار دارد. چین پیشرفت چشمگیری در حوزه فناوری داشته است. دستاوردهای قابل توجهی مانند بمب هسته‌ای، موشک‌های بالستیک،

ماهواره‌های دست‌ساز، پرتاب فضایی سرنشین‌دار، تیپ‌های جدید برنج ترکیبی، ابر رایانه‌ها، انسولین مصنوعی گاو، آرتمیسینین<sup>۲</sup> و راه‌آهن پر سرعت، روی هم‌رفته، موجب حمایت جدی از توسعه اجتماعی و اقتصادی شده است. تجارت خارجی چین نیز مدام در حال رشد بوده است. در سال ۲۰۰۹، چین بزرگترین صادر کننده کالا در جهان و دومین وارد کننده کالا بود. اما در سال ۲۰۱۳، چین به بزرگ‌ترین تاجر کالا در جهان بدل شد. از زمان سیاست «اصلاحات و درهای باز» در سال ۱۹۷۸،

1. International Standard industrial classification of all economic activities (ISIC)

۲. داروی گیاهی ضد مالاریا



سرمایه‌گذاری خارجی در چین شاهد افزایش چشمگیری بوده و چین برای سرمایه‌گذاری‌های جهانی بسیار جذاب شده است. چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان، بزرگ‌ترین تولیدکننده، بزرگترین تاجر کالا، دومین مصرف‌کننده کالاها، دومین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و بزرگترین دارنده ذخایر ارزی جهان تبدیل شده است (جدول ۱).

جدول ۱ - رشد قدرت اقتصادی چین

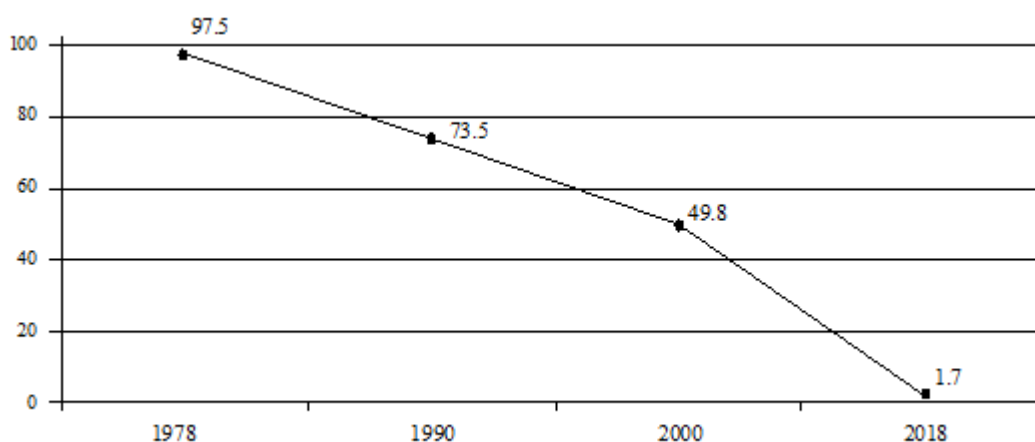
| دسته‌بندی                         | ۱۹۵۲                        | ۲۰۱۸                      | رشد                           |
|-----------------------------------|-----------------------------|---------------------------|-------------------------------|
| تولید ناخالص داخلی                | ۶۷,۹ میلیارد رنمینی         | ۹۰ هزار میلیارد رنمینی    | ۱۷۴ برابر                     |
| درآمد مالی                        | ۶,۲ میلیارد رنمینی در ۱۹۵۰  | ۱۸,۳۳ هزار میلیارد رنمینی | ۱۲,۵ درصد به طور متوسط سالانه |
| ارزش افزوده صنعتی                 | ۱۲ میلیارد رنمینی           | ۳۰,۵ هزار میلیارد رنمینی  | ۹۷۰ برابر                     |
| سرانه تولید ناخالص داخلی          | ۱۱۹ رنمینی                  | ۶۴,۶۴۴ رنمینی             | ۷۰ برابر                      |
| شاخص مصرف نهایی                   | ۷۸,۹ درصد                   | ۵۴,۳ درصد                 | --                            |
| سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی غیرمالی | ۹۲۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ | ۱۳۵ میلیارد دلار          | ۱۴۶ برابر                     |
| تجارت کالا                        | ۱,۹ میلیارد دلار            | ۴,۶ هزار میلیارد دلار     | ۲۳۸۰ برابر                    |

بنابراین، زندگی مردم چین به شدت بهبود یافته است. این یعنی یک تلاش مداوم، چینی‌ها را از غذای مناسب و پوشاک بهره‌مند کرده و این امکان را برای آن‌ها فراهم کرده است که زندگی شایسته‌ای داشته باشند و به سمت جامعه‌ای نسبتاً مرفه در همه جنبه‌ها حرکت کنند (جدول ۲ را ببینید). جمعیت روستایی چین که عموماً زیر خط فقر زندگی می‌کردند، آمار کنونی حاکی از آن است که از ۷۷۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۸ به ۱۶,۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است، و میزان فقر در مناطق روستایی، از ۹۷,۵ درصد به ۱,۷ درصد کاهش یافته است، که این رقم، کاهش ۹۵,۸ درصدی را نشان می‌دهد (شکل ۱). این یک دستاورد برجسته در تاریخ کاهش فقر است (به کادر ۱ دقت کنید).

جدول ۲ - بهبود استانداردهای زندگی مردم چین

| شاخص  | سال | سال‌های اولیه پس از تأسیس ج.خ. چین | ۱۹۸۰                 | ۲۰۱۸              |
|---|-----|------------------------------------|----------------------|-------------------|
| نسبت جمعیت روستایی که زیر خط فقر فعلی زندگی می‌کنند |     | فقر مطلق                           | ۹۶,۲ درصد            | ۱,۷ درصد          |
| درآمد سرانه مصرف                                    |     | ۹۸ رنمینی (در ۱۹۵۶)                | ۱۷۱ رنمینی (در ۱۹۷۸) | ۲۸,۲۲۸ رنمینی     |
| امید به زندگی                                       |     | ۳۵                                 | ۶۵                   | ۷۷                |
| نرخ مرگ و میر کودکان                                |     | ۲۰۰ درصد                           | ۴۸ درصد              | ۶,۱ درصد          |
| نرخ نام‌نویسی در پیش دبستانی                        |     | ۲۰ درصد                            | ۹۵,۵ درصد            | میزان تکمیل آموزش |

| شاخص \ سال                                       | سال‌های اولیه پس از تأسیس ج خ چین | ۱۹۸۰      | ۲۰۱۸                      |
|--|-----------------------------------|-----------|---------------------------|
|  |                                   | (در ۱۹۷۸) | اجباری نه ساله: ۹۴,۲ درصد |
| میانگین سالهای تحصیل برای افراد ۱۵ ساله و بالاتر | ۸۰ درصد بی‌سواد                   | ۵,۳       | ۹,۶                       |
| میزان ثبت‌نام کل برای آموزش عالی                 | ۰,۲۲ درصد                         | ۲,۲۲ درصد | ۴۸,۱ درصد                 |



شکل ۱- سیر نزولی فقر روستایی در چین - ۲۰۱۸-۱۹۷۸

### کادر ۱- دستاوردهای چین در فقرزدایی

از زمان هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲، چین برنامه کاهش جدی فقر را هدف قرار داده و در این مسیر، پیشرفت چشمگیر بوده است. جمعیت فقیرنشین روستایی چین از ۹۹ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ به ۱۶,۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است، که در مجموع رقم کاهش ۸۲,۴ میلیون نفری را نشان می‌دهد. این یعنی به طور متوسط ۱۳ میلیون نفر در سال از زیر خط فقر بیرون آمده‌اند. به عبارتی، میزان فقر در چین از ۱۰,۲ درصد به ۱,۷ درصد کاهش یافته است که نزدیک به ۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۹ نیز چین تصمیم دارد که به حداقل ۱۰ میلیون فقیر دیگر و حدود ۳۳۰ شهرستان درگیر فقر کمک کند. بیش از ۴۰ سال سیاست اصلاحات و درهای باز از سال ۱۹۷۸، (مطابق شاخص خط فقر بین‌المللی بانک جهانی که ملاک، درآمد ۱,۹ دلار آمریکا در هر روز است)، بیش از ۸۰۰ میلیون جمعیت چین از خط فقر نجات یافته‌اند که تنها همین جمعیت چین، بیش از ۷۰ درصد از رقم جهانی را تشکیل می‌دهند. امروزه چین به نخستین کشور در حال توسعه تبدیل شده است که اهداف کاهش فقر را در چارچوب اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد تحقق بخشیده است. دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترش، چین را به عنوان بزرگترین شرکت‌کننده در کاهش فقر جهانی مورد ستایش قرار داده است. در سال ۲۰۱۸، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را برای رفع فقر روستایی به تصویب رساند، که در مفهوم و عمل مطابق برنامه کاهش هدفمند چین در این زمینه بود. چین تجربیات فراوانی را برای مبارزه جهانی با فقر ارائه داده است.



چین یک سیستم تأمین اجتماعی اولیه ایجاد کرده که شامل مراقبت از سالمندان، مراقبت‌های پزشکی، تأمین حداقل معاش، مسکن و تحصیلات می‌شود. این یعنی چین در بزرگترین مقیاس، بزرگترین جمعیت جهان را پوشش داده است. از این منظر، تا پایان سال ۲۰۱۸:

- شرکت‌کنندگان در بیمه مراقبت‌های بهداشتی اولیه کارگران شهری به ۴۱۹ میلیون نفر رسیده است.
- شرکت‌کنندگان در بیمه بیکاری ۱۹۶ میلیون نفر بودند.
- شرکت‌کنندگان در بیمه خسارت ناشی از صدمات کار بالغ بر ۲۳۹ میلیون نفر هستند.
- بیمه مراقبت‌های بهداشتی پایه بیش از ۹۰۰ میلیون نفر را پوشش می‌دهد.
- بیمه پزشکی اولیه بیش از ۱,۳ میلیارد نفر را تحت پوشش قرار داده است که این رقم یعنی همه افراد در کشور.

افزون بر آن، در طول ۷۰ سال گذشته، امید به زندگی در چین از ۳۵ سال در سال ۱۹۴۹ به ۷۷ سال در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است، که بالاتر از میانگین ۷۲ سال در جهان است. طی ۷۰ سال گذشته، مردم چین به لحاظ طرز فکر، شاهد تغییرات عمیقی بوده‌اند. آنها فرهنگ سنتی چینی را پیش برده‌اند، ارزش‌های مدرن چینی را گسترش داده‌اند، و زندگی فرهنگی خود را غنی و تقویت کرده‌اند. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی که در سال ۲۰۱۸ توسط گروه مشاوره بوستون (BCG) منتشر شد، در یک دهه گذشته، رتبه‌بندی چین با ۲۵ پله افزایش یافته، که این مهم حاکی از سریع‌ترین نرخ رشد در بین ۱۵۲ کشور تحت پوشش این سازمان است.

موقعیت و نفوذ بین‌المللی چین نیز به شدت بهبود یافته است. در سال ۱۹۷۱، چین جایگاه مشروع خود را در سازمان ملل پیدا کرد و نقش فعال‌تری در امور بین‌الملل ایفا نمود. در ماه آوریل و مه ۱۹۸۰، چین کرسی‌های مشروع خود را در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به‌دست آورد. در سال ۲۰۰۱، چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) پیوست و شروع به مشارکت گسترده و عمیق در مبادلات اقتصادی و تجاری بین‌المللی کرد. چین با ایجاد روابط دیپلماتیک با ۱۷۹ کشور و ۱۱۰ نوع مشارکت از انواع مختلف در جامعه بین‌المللی، دوستانی برای خود دست و پا کرده است. از زمان هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲، چین یک جامعه جهانی با آینده مشترک را در پرتو ابتکار کمربند و راه پیشنهاد کرده، که در بسیاری از قطعنامه‌های سازمان ملل گنجانده و به رسمیت شناخته شده و {در پی آن نیز}، پاسخی گرم از جامعه بین‌المللی دریافت کرده است.

موفقیت‌های چین از طریق سخت‌کوشی به‌دست آمده‌اند. کشوری بزرگ با جمعیت تقریباً ۱,۴ میلیارد نفری، با درخواست کمک و انتظار از دیگران نمی‌تواند به رفاه برسد. تنها گزینه، کار، تلاش مداوم و سخت است. چین به تلاش‌های استوار و بی‌وقفه نسل‌های مردم خود اعتماد نموده، که این تلاش به عنوان نمونه، با مبادله ۸۰۰ میلیون پیراهن در ازای هواپیمای بوئینگ نشان داده می‌شود. چین متکی به انجام تعهدات و مسئولیت‌های خود در زمان‌های خوب و در ناملایمات بوده، و بدون صدور مشکل یا ایجاد تغییر در جاهای دیگر و با پرهیز از توسعه از طریق تجارت تحت اجبار یا استثمار سایر کشورها، موفقیت خود را به پیش برده است. چین {همواره} بر یک روح پیشگام تکیه داشته است؛ مانند عبور از رودخانه با احساس سنگ‌ها {در زیر پای خود}، و نه رفتن به مسیر امپریالیسم و استعمار، و نه نسخه‌برداری از مدل توسعه کشورهای غربی، بلکه راه خود را با تجربیات دلیرانه، بر اساس شرایط خاص خود، تجربه و درس‌ها و نیز دستاوردهای سایر تمدن‌ها روشن کرده است.



## ۲,۱. چین در حال توسعه از طریق تعامل با جهان است

چین بخشی از جهان است و توسعه چین با سایر نقاط جهان ارتباط تنگاتنگی دارد. در روزهای اولیه پس از تأسیس جمهوری خلق چین، این کشور تلاش زیادی برای شکستن محاصره خارجی انجام داد و به‌طور فعالانه به دنبال مبادلات اقتصادی، تجاری و فرهنگی با سایر کشورها بود. از زمان اصلاحات و درهای باز در سال ۱۹۷۸، چین در پی روند جهانی شدن و ترویج سیاست بازگشایی به عنوان یک سیاست اساسی دولتی بوده، و در مسیر توسعه گام برداشته است. چین از طریق تعامل مثبت و توسعه مشترک، جهان را پذیرفته، از جهان آموخته و به جهان کمک کرده است.

**رو به داخل در مقیاس بزرگ.** چین مملو از قدرت است. جامعه بین‌المللی دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به چین دارد. کشورهای بیشتر و بیشتری در حال ایجاد همکاری با چین هستند؛ شرکت‌های بیشتری در حال تزریق سرمایه و راه‌اندازی کسب‌وکار در چین هستند؛ هر روز بیش از گذشته خارجی‌ها برای تحصیل، کار و سفر به چین می‌آیند. از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸، چین در مجموع بیش از ۲ هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی غیرمالی داشته است و نزدیک به یک میلیون موسسه سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور تأسیس شده است. در سال ۲۰۱۸، تقریباً نیم‌میلیون نفر از دانشجویان خارجی برای تحصیل به چین آمده‌اند. از زمان الحاق این کشور به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، مشارکت چین در روند جهانی شدن اقتصادی پیامدهای جدی و سریعی را به ارمغان آورده است (کادر ۲ را ببینید). واردات کالاها از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ از ۲۴۴ میلیارد دلار به ۲,۱ هزار میلیارد دلار رسیده است. این افزایش که به‌طور متوسط رقم ۱۳,۶ درصدی را در سال نشان می‌دهد، ۶,۸ درصد بالاتر از میانگین جهانی است. واردات خدمات چین نیز از رقم ۳۹,۳ میلیارد دلار به ۵۲,۵ میلیارد دلار افزایش یافته است، که به‌طور متوسط ۱۶,۵ درصد در سال و ۹,۴ درصد از شاخص کل جهانی را نشان می‌دهد.

### کادر ۲ - موقعیت چین به عنوان یک قدرت تجاری به‌طور فزاینده تقویت می‌شود

از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸، کل واردات و صادرات کالا در چین با ضریب ۲۲۳ افزایش یافته است، و کل واردات و صادرات خدمات آن نیز با ضریب ۱۴۷ افزایش داشته است. تا نوامبر ۲۰۱۸، چین با بیش از ۲۳۰ کشور و منطقه روابط تجاری برقرار کرده است. این کشور ۱۷ قرارداد تجارت آزاد با ۲۵ کشور و منطقه امضا کرده و تقریباً به کلیه سازمان‌های بزرگ اقتصادی و مالی بین‌المللی و سازوکارهای اقتصادی چندجانبه پیوسته بود. طبق آمار سازمان تجارت جهانی، در سال ۲۰۱۷ سهم چین از کل واردات و صادرات کالا در جهان ۱۰,۲ درصد و ۱۲,۸ درصد بود. در سال ۲۰۱۸، این دو رقم ۱۰,۸ درصد و ۱۲,۸ درصد بوده است. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸، این دو رقم به‌طور متوسط سالانه ۱۳,۸ درصد رشد داشته‌اند. ارقام فوق تأیید می‌کنند که جایگاه چین به عنوان بزرگترین تاجر کالا در جهان بیشتر تثبیت شده است.

**رو به بیرون با گام‌های بلند.** از سرمایه‌گذاری اقتصادی و تجاری گرفته تا مبادلات فرهنگی، از همکاری دولت تا تبادل مردم با مردم، چین در حال انجام تمام مبادلات تجاری، فراگیر و چندسطحی و همکاری با کشورهای دیگر است، و نسبت به قبل در سطح جهانی، این روند سریع‌تر و افزون‌تر به پیش می‌رود. در موضوع سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری، چین شاهد بهبود مستمر و پایدار در کیفیت و مقیاس بوده است. در سال ۲۰۱۸، سرمایه‌گذاری برون‌مرزی چین به ۱۴۳ میلیارد دلار رسیده است که از سال ۲۰۰۲ با ۵۳ ضریب، میانگین رشد سالانه ۲۸,۲ درصدی را نشان می‌دهد. لذا تجارت خارجی چین سال به سال رو به رشد است. از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸، تجارت خارجی چین ۵۲,۲ هزار میلیارد دلار آمریکا بود. در سال ۲۰۱۸، میزان صادرات کالاها چین ۲,۵ هزار میلیارد دلار و صدور خدمات آن نیز ۲۶۷ میلیارد دلار بوده است. در سال‌های اخیر نیز، چین



موقعیت خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع گردشگری در خارج از کشور حفظ کرده است. بر این اساس، در سال ۲۰۱۸، نزدیک به ۱۵۰ میلیون گردشگر خارجی از چین بازدید کرده‌اند.

**کشور در حال توسعه و انتفاع جهان.** سیاست درهای باز، فناوری‌های پیشرفته و تجربه مدیریتی جدیدی را برای چین به ارمغان آورد، طرز فکر مردم چین را تغییر داد، خلاقیت آنها را تقویت کرد و به چین در زمینه نوسازی کشور کمک نمود. در همین زمان، چین بازار گسترده‌ای را برای سایر کشورها فراهم کرده است. افزون بر آن، سیاست تجاری و خدمات سرمایه‌گذاری چین، رشد اقتصادی محلی و اشتغال را در کشورهای مورد نظر تسهیل کرده است. چین در تقسیم بین‌المللی کار مشارکت فعال داشته و این حضور، منجر به تخصیص عقلانی‌تر منابع جهانی شده است. صادرات با کیفیت بالای چین، همزمان با تقاضای بازار بین‌المللی مواجه شده، هزینه‌های زندگی در کشورهای گیرنده را کاهش داده و فشار تورمی آنها را تسکین داده است. مردم چین اکنون به سراسر جهان سفر می‌کنند، که {این مهم}، تبادل فرهنگی و یادگیری متقابل بین چین و سایر کشورها را تقویت کرده است.

### ۳.۱. چین انرژی مثبت را به صلح و توسعه جهانی تزریق کرده است

مسیر توسعه چین دارای خصوصیات منحصر به فرد چینی و چشم‌انداز جهانی گسترده و دوراندیشانه است. این به منافع کل بشریت اختصاص یافته است. در طول ۷۰ سال گذشته، در حالی که چین برای تحقق پیشرفت خود سخت تلاش می‌کند، مردم چین هم در صلح جهانی نقش داشته‌اند و در این مسیر، به پیشرفت مشترک همه کشورها شتاب می‌بخشند.

چین در توسعه و صلح جهانی مشارکت و همکاری دارد. چین در اوایل دوره تأسیس، سیاست خارجی مستقل صلح خود را بنا نهاد، که پس از جنگ جهانی دوم به صلح جهانی کمک کرد. در دهه ۱۹۵۰، چین، هند و میانمار به‌طور مشترک پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز را پیشنهاد کردند (احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم تجاوز متقابل، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و منافع متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز). این اصول {امروزه} به هنجارهای اساسی برای روابط بین‌الملل و اصول اساسی حقوق بین‌الملل تبدیل شده‌اند.

چین همواره از منافع کشورهای در حال توسعه محافظت کرده و نقش مهمی در ایجاد یک نظم سیاسی منصفانه و عادلانه بین‌المللی ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، چین پیشنهادات زیادی از مفاهیم و ابتکارات مهم بین‌المللی، از جمله آینده مشترک جامعه جهانی، الگویی جدید از روابط بین‌الملل، ابتکار کمربند و راه، اصل حمایت از منافع بیشتر و دنبال کردن منافع مشترک، چشم‌انداز همکاری جامع، مشترک و امنیت پایدار، اصول مذاکره و رایزنی گسترده، مشارکت و منافع مشترک در حکمرانی جهانی و اصول برابری، یادگیری متقابل و گفتگوهای فراگیر بین تمدنی را ارائه داده است.

چین صلح جهانی را از طریق اقدامات واقعی محافظت می‌کند. در طول ۷۰ سال گذشته، چین نه جنگ و درگیری را تحریک کرده و نه به یک متر مربع از سرزمین خارجی حمله کرده است. از زمان سیاست اصلاحات و درهای باز در سال ۱۹۷۸، چین نیروهای مسلح خود را بیش از چهار میلیون نفر کاهش داده است. چین حضور فعالی در کنترل بین‌المللی تسلیحات، خلع سلاح و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای داشته، و در پرتو مخالف با هرگونه مسابقه تسلیحاتی، حفاظت از توازن و ثبات استراتژیک جهانی را مطمح‌نظر قرار داده است. چین بیش از ۲۰ معاهده مربوط به کنترل چندجانبه تسلیحات، خلع سلاح و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (از جمله NPT) را امضا یا به آن پیوسته است. چین به دومین تأمین‌کننده بودجه سازمان ملل،



نیروهای حافظ صلح این سازمان؛ و در عین حال، به بزرگترین نیروی مشارکت‌کننده در میان اعضای دائم شورای امنیت ملل متحد تبدیل شده است (به کادر ۳ مراجعه کنید).

در سال ۲۰۱۵ چین اعلام کرد که یک صندوق صلح و توسعه ده ساله چین-سازمان ملل را با مبلغ یک میلیارد دلار راه‌اندازی خواهد کرد که این امر در سال ۲۰۱۶ رسماً به بهره‌برداری رسید. چین همواره توجه خود را به حل‌وفصل اختلافات مرزهای دریایی و ارضی از طریق مذاکره و رایزنی اختصاص داده و با ۱۲ کشور از ۱۴ کشور همسایه خود به حل‌وفصل کامل مشکلات مرزهای سرزمینی دست یافته است. ترسیم مرز دریایی چین - ویتنام در خلیج بی‌بو (Beibu Gulf)، یکی از بارزترین این نمونه‌هاست. این موضوع بستر جدیدی را برای حل مسائل مربوط به کشور که از تاریخ و همچنین سایر اختلافات بین‌المللی به‌وجود آمده، ایجاد کرده است. چین نقش سازنده‌ای در حل‌وفصل موضوعات مهم بین‌المللی و منطقه‌ای ایفا کرده است.

### کادر ۳- پشتیبانی فعال چین از عملیات حفظ صلح سازمان ملل

چین سهم عمده‌ای در بودجه حفظ صلح سازمان ملل متحد و بزرگترین کشور کمک‌کننده در بین اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل است. تا دسامبر سال ۲۰۱۸، چین در ۲۴ عملیات حفظ صلح سازمان ملل شرکت کرده و در این راه، بیش از ۳۹۰۰۰ سرباز را اعزام کرده است، که ۱۳ نفر از آنها جان خود را در حین وظیفه از دست دادند. در سپتامبر ۲۰۱۵، چین تصمیم خود را برای پیوستن به سیستم جدید آماده‌باش ۸۰۰۰ نفره حفظ صلح سازمان ملل اعلام کرد. از دسامبر سال ۲۰۰۸، با اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، چین ناوگان دریایی خود را برای انجام مأموریت‌های اسکورت منظم در خلیج عدن و آبهای خارج از سومالی (برای مبارزه با دزدان دریایی) اعزام کرده است. چین همچنین نیروهای نظامی را به مأموریت‌های بین‌المللی امدادسانی برای مقابله با بحران و ارائه کمک‌های بشردوستانه اعزام کرده است.

چین توسعه مشترک را در سراسر جهان ترویج می‌کند. به عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه در جهان، چین همواره حامی، متخصص و مروج کاهش فقر جهانی و توسعه بوده است. در راستای دستیابی به این اهداف، چین همکاری‌های جنوب-جنوب را در دستور کار قرار می‌دهد و به سایر کشورهای در حال توسعه، بدون تحمیل یا پیوستن شرایط سیاسی کمک می‌کند. این کمک به‌ویژه در مورد کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته (LDC) برای رفع فقر بیشتر صدق می‌کند.

با گذشت شش دهه از زمانی که چین در اوایل دهه ۱۹۵۰ کمک‌های خارجی را آغاز کرد، این کشور به ۱۶۶ کشور و سازمان‌های بین‌المللی نزدیک به ۴۰۰ میلیارد رنمینبی کمک کرده و بیش از ۶۰۰ هزار نفر امدادگر را اعزام کرده است که از این تعداد، بیش از ۷۰۰ نفر جان خود را برای توسعه کشورهای دیگر از دست داده‌اند.

در هفت نوبت، چین بدهی‌های ناشی از وام‌های دولتی بدون بهره را که به کشورهای فقیر و بدهکار اعطا شده بود، لغو کرده است. چین برای ۶۹ کشور در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، کارائیب و اقیانوسیه کمک‌های پزشکی ارائه داده و برای اجرای اهداف توسعه هزاره سازمان ملل، به بیش از ۱۲۰ کشور در حال توسعه کمک کرده است.

چین به‌طور فعال در مورد دستور کار برنامه توسعه پایدار ملل متحد در سال ۲۰۳۰ و تضمین اجرای کامل این برنامه مشغول رایزنی و مذاکره است. {از این منظر} چین اولین کشوری بود که یک برنامه ملی و یک گزارش پیشرفت در زمینه اجرای این برنامه منتشر کرد و در بسیاری از زمینه‌ها به نتایج مثبت اولیه دست یافت. در چارچوب همکاری جنوب-جنوب، چین بستر کمک به کشورهای در حال توسعه را برای اجرای دستور کار ۲۰۳۰ فراهم کرده است. بیش از سه سال از زمانی که صندوق



توسعه چین - ملل متحد در سال ۲۰۱۶ فعالیت خود را آغاز کرد، چین ۲۷ برنامه را در چارچوب دستور کار ۲۰۳۰ برای صندوق توسعه پایدار قرار داده است که در پرتو آن، ۴۹ کشور آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین بهره‌مند شده، و یک موتور قدرتمند برای اجرای دستور کار جهانی ۲۰۳۰ را اضافه کرده است. چین در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که «صندوق معاضدت همکاری جنوب-جنوب» (SSCAF) را راه‌اندازی خواهد کرد.

تا سال ۲۰۱۸، در بیش از ۳۰ کشور آسیایی، آفریقایی و آمریکایی، چین بیش از ۲۰۰ برنامه همکاری توسعه تحت این صندوق در زمینه رفع سوانح و بلایا، مراقبت‌های بهداشتی، محافظت از زنان و کودکان، امداد و نجات پناهندگان و حفاظت از محیط زیست اجرا کرده است.

#### ۴.۱. مسیر توسعه چین مطابق با واقعیت و الزامات زمان است

انتخاب مسیر برای پیشرفت موفقیت‌آمیز یک کشور بسیار مهم و حیاتی است. به‌عنوان یک کشور وسیع با جمعیت تقریباً ۱,۴ میلیارد نفری، چین تجربه‌ای از نوسازی در تاریخ ندارد که به آن مراجعه کند؛ اما باید مسیر خود را روشن می‌ساخت. از همین‌رو در طول ۷۰ سال گذشته، چین موفقیت بزرگی کسب کرده است. دلیل نهایی این است که چین در مسیر صحیح - سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی - گام برداشته و این مسیر را ادامه خواهد داد.

این مسیری است که بر شرایط واقعی چین ابتناء یافته است. در پرتو واقعیت و تاریخ، و از طریق آزمایش، چین خرد را از فرهنگ خود بیرون کشیده و از نقاط قوت فرهنگ‌های دیگر، اعم از شرقی و غربی {راه موفقیت را} آموخته است. چین به انتخاب مسیر خود پایبند است؛ اما هرگز به این معنی نیست که به‌طور سختگیرانه مخالف تغییر باشد. چین از تجارب دیگران وام می‌گیرد، اما هرگز به‌طرز غیرمفکرانه‌ای {روش‌ها و مسیر دیگران را} نسخه‌برداری نمی‌کند.

این مسیری است که منافع مردم را در اولویت قرار می‌دهد. در جمهوری خلق چین، مردم، کشور را به معنای واقعی اداره می‌کنند. به مدت ۷۰ سال، چین از فلسفه توسعه مردم‌محور حمایت کرده است و تمام تعهدات خود را به سمت تحقق آرمان مردم برای زندگی بهتر و حمایت از حقوق دموکراتیک خود هدایت می‌کند. چین به دنبال نیروهای محرک در میان مردم است و توسعه را با تکیه بر مردم ترویج کرده و از طریق توسعه نیز مردم را بهره‌مند می‌کند.

این یک مسیر اصلاح و نوآوری است. هیچ راه‌حلی از پیش‌آماده‌ای برای مسائل توسعه - که چین با آن روبرو است - وجود ندارد. مردم چین با پیگیری و تلاش جسورانه، با اصلاح و نوآوری و رفع موانع سازمانی که مانع توسعه است، مشکلات و چالش‌ها را برطرف کرده‌اند. هدف، رونق بخشیدن و توسعه بهره‌وری و نشاط اجتماعی، بهبود و توسعه سوسیالیسم چینی و نوسازی سیستم چین و ظرفیت آن برای حاکمیت است. این راهی است که چین از طریق گشایش درهای اقتصاد خود {در مخالفت با سیاست حمایت‌گرایی دولت ترامپ}، به دنبال توسعه مشترک گام برمی‌دارد. چین از سیاست بنیادین دولت برای این گشایش حمایت می‌کند و یک راهبرد سودمند متقابل را برای این منظور در نظر دارد.

چین توسعه به‌هم پیوسته را ارتقا داده است. این یعنی در حالی که خود را توسعه می‌دهد، چین میوه تلاش‌های خود را با سایر کشورها و مردم به اشتراک گذاشته است. این فرایند تحول تاریخی از اقتصاد بسته، تا گشایش کامل اقتصادی است که چین آن را محقق کرده است. چین یکی از مشارکت‌کنندگان فعال و مروج جهانی‌شدن اقتصادی است و صلح و توسعه را برای بشریت تسهیل می‌کند.





این یک مسیر حکمرانی مبتنی بر قانون است. چین حاکمیت قانون را به عنوان یک اصل اساسی در حاکمیت این کشور عملی می‌کند. چین به دنبال پیشرفت هماهنگ در حکمرانی مبتنی بر قانون، اعمال قانونی قدرت دولت و مدیریت مبتنی بر قانون در دولت است. حاکمیت قانون یک تضمین اساسی، کلی و پایدار برای توسعه چین است. حاکمیت قانون، متضمن یک جامعه قوی و منظم در زمان تغییرات عمیق است که صلح و ثبات پایدار را تضمین می‌کند.

در طول ۷۰ سال گذشته، موفقیت چین با رهبری حزب کمونیست چین پیوند خورده است. با توجه به قلمرو وسیع چین و شرایط پیچیده ملی، مدیریت و حکمرانی بر چین بسیار دشوار است. بدون رهبری متمرکز، متحد و مستحکم، چین به تجزیه و واگرایی سوق می‌یابد و باعث ایجاد هرج و مرج گسترده در ورای مرزهای خود می‌شود. حزب کمونیست چین، رهبر و هسته اصلی چین است که به مدت طولانی بر این کشور حکمرانی می‌کند و توسط مردم حمایت می‌شود. دلیل این امر در رسالت بنیانگذار آن برای دستیابی به سعادت مردم، تحقق جوان‌سازی ملی چین و ترویج صلح و توسعه برای بشریت است؛ و نه اینکه به دنبال منافع خود باشد. دلیل این امر در ظرفیت آن برای بهبود خود و در هسته رهبری محکم آن، نظریه‌های مؤثر، نظم و انضباط دقیق و مکانیسم‌های بهبود یافته برای انتخاب مقام‌های راد سرشت و صالح نهفته است، که تضمین کرده‌اند حزب با ثبات، مرفی و پاک باقی بماند. دلیل این امر در برنامه‌ریزی راهبردی حزب برای توسعه بلند مدت کشور و صلاحیت آن در اجرای سیاست‌های خاص نهفته است. دلیل این امر در توانایی ذهن باز برای سازگاری با تغییر دوران، پیشبرد میراث خود در عین جذب نقاط قوت دیگران و در توانایی آن در اتحاد، سازماندهی و الهام بخشیدن به مردم نهفته است.

این یک مسیر حکمرانی مبتنی بر قانون است. چین حاکمیت قانون را به عنوان یک اصل اساسی در حاکمیت این کشور عملی می‌کند. چین به دنبال پیشرفت هماهنگ در حکمرانی مبتنی بر قانون، اعمال قانونی قدرت دولت و مدیریت مبتنی بر قانون در دولت است. حاکمیت قانون یک تضمین اساسی، کلی و پایدار برای توسعه چین است. حاکمیت قانون، متضمن یک جامعه قوی و منظم در زمان تغییرات عمیق است که صلح و ثبات پایدار را تضمین می‌کند.

در طول ۷۰ سال گذشته، چین خطرات بسیاری را خنثی کرده و بر بسیاری از چالش‌ها فائق آمده است و در این مسیر، قدم به قدم به پیش می‌رود. به‌ویژه، از زمان هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲، چین شاهد دستاوردها و تغییرات تاریخی بوده است. ملت چین با خیزش، کشوری مرفه و قدرتمندتر شده است و از هر زمان دیگری به هدف جوان‌سازی ملی نزدیکتر است. مسیر توسعه چین، با گذشت زمان روشن و درخشان‌تر می‌شود. (به کادر شماره ۴ مراجعه کنید).

#### کادر ۴- نظر مثبت در داخل و خارج از چین در مورد توسعه آینده آن

مردم چین نسبت به چشم‌انداز کشور خود اطمینان کامل دارند. بر اساس گزارش نظرسنجی افکار عمومی در مورد وضعیت جامعه منتشر شده که توسط واحد اطلاعات اکونومیست (EIU)، در نوامبر ۲۰۱۸ انجام پذیرفته است، پاسخ‌دهندگان چینی نسبت به آینده کشورشان خوش‌بین بودند، و با ۹۱،۴ درصد معتقدند که چین در دهه پیش رو به جامعه بهتر خواهد بود. این بیش‌ترین میزان رضایت در میان تمام کشورهای تحت پوشش این تحقیق است که ۳،۲۲۱ نفر را در ۵۰ کشور و مناطق اطراف جهان پوشش داده است. تصویر بین‌المللی چین در حال بهبود است. براساس نتایج تحقیقی که به‌طور مشترک توسط انجمن غیرانتفاعی آلمانی Atlantik - Brucke و German polling در مارس ۲۰۱۹ منتشر شد، ۴۲،۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که چین نسبت به ایالات متحده یک شریک قابل‌اعتمادتر برای آلمان است. براساس گزارش بانک جهانی، چین در سال ۲۰۱۸، گزارشی در مورد ۱۱۰۰۰ نفر از ۲۲ کشور در ۵ قاره که توسط آکادمی چین معاصر چین و مطالعات جهانی



(ACCWS) در آگوست ۲۰۱۹ منتشر شد، پاسخ دهندگان خارج از کشور به‌طور کلی امتیاز ۲٫۶ را از ۱۰ در تأیید سیاست‌های داخلی و خارجی چین، با به رسمیت شناختن حاکمیت داخلی چین، به تصویر کشیدند. این گزارش نشان می‌دهد که تصویر چین به عنوان یک همکار و مشارکت‌کننده در توسعه جهانی در حال برجسته شدن است و ۴۸ درصد از پاسخ دهندگان خارجی آن را تأیید می‌کنند.

طی ۷۰ سال توسعه، چین پیشرفت چشمگیری داشته است. با این حال، جنبه اصلی بافت چین - اینکه چین هنوز در مرحله اولیه سوسیالیسم باقی خواهد ماند - ثابت است. یعنی وضعیت چین به عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه در جهان تغییر نکرده است. اگر قرار بر این باشد که فشار بین توسعه نامناسب و ناکافی و نیازهای رو به رشد مردم برای زندگی بهتر را کاهش دهیم، باید اطمینان حاصل نمود که نزدیک به ۱٫۴ میلیارد نفر از سطح مناسبی از رونق برخوردار هستند، و لذا چین هنوز جاده‌ای طولانی برای سفر در پیش دارد.



## فصل ۲. توسعه چین فرصتی برای جهان است

با افزایش سریع قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی چین، برخی مردم نگران این هستند که چین انتظارات پیشین را از دست بدهد و با ادامه روند قدرت‌افزایی، به دنبال هژمونی و سلطه باشد، بنابراین آنها تئوری «تهدید چین» را ساخته‌اند. علل این نظریه به واسطه سوءتفاهم شناختی، تعصبات عمیق، عدم تعادل روانشناختی ناشی از چشم‌انداز فروکش قدرت و تحریف‌های عمدی است که توسط کسانی با منافع خاص دنبال می‌شود. تحقق رفاه ملی، جوان‌سازی و خوشبختی مردم، رویائی است که چینی‌ها با مردمان سایر کشورها به اشتراک گذاشته‌اند. توسعه چین به جای یک تهدید یا چالش، فرصتی برای جهان است.

### ۱,۲. چین اصلی‌ترین نیروی ثبات‌بخش و منبع قدرت اقتصاد جهانی است

از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸، اقتصاد چین به سرعت با میانگین سالانه ۹,۴ درصد رشد کرده و به موتور مهمی برای رشد اقتصادی جهانی تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۸، جهان دچار بحران جدی مالی شد و آسیب شدیدی به اقتصاد جهانی وارد گردید. اما اقتصاد چین از طریق یک سلسله اقدامات مؤثر برای مقابله با بحران، به سرعت بهبود یافت و همچنان به رشد متوسط و پر سرعت خود ادامه می‌دهد. در نتیجه، چین به نیروی ثبات‌بخش اصلی و منبع قدرت اقتصاد جهانی تبدیل شد.

چین بزرگ‌ترین عامل رشد اقتصادی جهان است. از زمان هجدهمین کنگره ملی حزب کونیست چین در سال ۲۰۱۲، چین مفاهیم توسعه نوآورانه، هماهنگ، سبز، باز و فراگیر را پیاده‌سازی کرده است. این امر سازگار با هدایت و رهبری عادی جدید توسعه اقتصادی، تقویت اصلاحات ساختاری در سمت عرضه، و توسعه اقتصادی پایدار و سالم با افزایش کیفیت و کارایی است. در سه سال گذشته، کل اقتصادی چین پیاپی از ۷۰ هزار میلیارد رنمینی، ۸۰ و ۹۰ هزار میلیارد رنمینی فراتر رفته است و تقریباً ۱۶ درصد از اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، چین به‌طور متوسط بیش از ۲۸ درصد از رشد اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است. برآوردها نشان می‌دهد بدون چین، میانگین رشد سالانه اقتصاد جهان از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ با ۰,۶ درصد کاهش و شدت نوسان ۵,۲ درصد افزایش یافته است.

بر اساس گزارشی که توسط موسسه جهانی مک‌کینزی (MGI) منتشر شده است، شاخص کل جهانی قرار گرفتن در معرض اقتصاد چین به تدریج از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ از ۰,۴ به ۱,۲ افزایش یافت و چین ۳۵ درصد از تولیدات جهان را به خود اختصاص داده است. نوآوری‌های علمی و تکنولوژیکی چین شتاب جدیدی را به رشد اقتصادی جهان تزریق کرده‌اند. در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری در زمینه علم و فن‌آوری در چین در حال افزایش بوده است و نوآوری‌های بزرگ علمی و فن‌آورانه پدید آمده‌اند. در سال ۲۰۱۸، هزینه تحقیق و توسعه در چین ۲,۱۹ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده است. بر اساس شاخص جهانی نوآوری (GII) که توسط سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) و سایر سازمان‌ها منتشر شده است، چین در سال ۲۰۱۹ روند صعودی خود را ادامه داد و از رتبه هفدهم در سال ۲۰۱۸ به چهاردهم در سال ۲۰۱۹ رسیده است. (به کادر ۵ بنگرید).

در زمینه فناوری‌های پیشرفته (های‌تک)، چین در حال پیشرفت و رسیدن به جایگاه شایسته است. ارتباطات کوانتومی، ابر رایانه، هوافضا، هوش مصنوعی، فن‌آوری نسل پنجم شبکه تلفن همراه (۵G)، پرداخت موبایل، وسایل جدید انرژی، راه‌آهن پرسرعت و فن‌آوری مالی، بخش‌هایی هستند که چین به‌واسطه آنها جهان را هدایت می‌کند. بنابراین، امروزه نوآوری‌های چین

در حوزه علم و فن‌آوری به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است، آسایش بیشتری را برای کار و زندگی روزمره سایر کشورها به ارمغان می‌آورد و نیروی جدیدی را به رشد اقتصادی جهان تزریق می‌کند.

### کادر ۵- سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای خارجی درباره نوآوری علمی و فن‌آوری چین دیدگاه مثبتی دارند

مطابق گزارش نهادهای معتبر جهانی در سال ۲۰۱۹، چین همچنان به بهبود رتبه جهانی خود در زمینه نوآوری ادامه داده است. نخست، توانایی چین در نوآوری به‌طور مداوم بهبود یافته است. چین به مدت چهار سال متوالی در این زمینه سیر صعودی را تجربه کرده است و در سال جاری به چهاردهمین کشور برتر در زمینه فن‌آوری و نوآوری دست یافته است. دوم، خوشه‌های علم و فن‌آوری چین به طور جمعی در حال افزایش هستند. تعداد ۱۸ خوشه علم و فن‌آوری در چین جزء ۱۰۰ نوآوری و فن‌آوری برتر جهان است که دو برابر بیشتر از سال گذشته است. این مقام دوم پس از در ایالات متحده است، که دارای ۲۶ خوشه در ۱۰۰ شاخص برتر است. در میان آنها، خوشه سنژن- هنگ کنگ رتبه دوم و خوشه پکن در رده چهارم قرار دارد. تقریباً رتبه تمام خوشه‌های چینی در مقایسه با سال گذشته رو به افزایش بوده است. مطابق نظرسنجی بلومبرگ از متخصصان مشاغل جهانی، ۳۹ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که پکن تا سال ۲۰۳۵ به شهر برتر فناوری جهان تبدیل خواهد شد و ۲۶ درصد معتقدند که شانگهای در آینده به مرکز جهانی نوآوری‌های فناوری تبدیل خواهد شد. سوم، کیفیت نوآوری در چین بیش از گذشته بهبود یافته است. گزارش GII اشاره می‌کند که تمرکز رقابت جهانی فعلی برای نوآوری از کمیت به کیفیت تغییر کرده است. چین از نظر کیفیت نوآوری در رده پانزدهم قرار دارد و در هفت سال گذشته رتبه اول در بین اقتصادهای با درآمد متوسط را به خود اختصاص داده است. همچنین این تنها اقتصادی با درآمد متوسط است که از نظر کیفیت دانشگاه‌ها، بین‌المللی‌سازی اختراعات محلی و کیفیت انتشارات علمی، شکاف را با اقتصادهای پردرآمد کاهش داده است، و این مهم، با استناد به تعداد استناداتی که به صورت محلی تولید می‌کند، اندازه‌گیری شده است. کیفیت دانشگاه‌های چین تنها بین ایالات متحده و بریتانیا رتبه سوم را دارا می‌باشد. چین در زمینه ثبت اختراعات بین‌المللی و کیفیت انتشارات علمی رتبه اول را در بین اقتصادهای با درآمد متوسط دارد. عملکرد ورودی و خروجی نوآوری آن نزدیک به یا بالاتر از برخی از اقتصادهای پردرآمد است و از نظر تولید نوآوری با آلمان، انگلیس، فنلاند، اسرائیل و ایالات متحده همگام است. طرح‌های صنعتی چین، برنامه‌های تجاری و صادرات محصولات پیشرفته و خلاق این کشور در حال پیشرفت است. تعداد برنامه‌های ثبت اختراع برای اختراعات و ابتکارات در چین از ۱۰ هزار در سال ۱۹۹۰ به ۱,۳۸ میلیون در سال ۲۰۱۷ رسیده است. چهارم، چین نسبت به نوآوری‌های فن‌آورانه خوش‌بین است. براساس نظرسنجی‌های بلومبرگ و KPMG، ایالات متحده و چین بیشترین پتانسیل را برای دستیابی به موفقیت‌های بی‌نظیر در فن‌آوری دارند که تأثیر جهانی خواهد داشت. چین با بیان اینکه فن‌آوری باعث شکل‌گیری دنیای بهتری می‌شود، نسبت به نوآوری‌های مبتنی بر فن‌آوری خوشبین‌تر است، به همین دلیل چین در برخی زمینه‌های فناوری توانسته است از کشورهای غربی همگام شود و یا از آنها پیشی بگیرد.

در آینده، چین در نقش خود به‌عنوان یک نیروی تثبیت‌کننده و منبع قدرت، جایگاه برجسته‌تری خواهد داشت. در حال حاضر، اقتصاد جهانی فاقد انگیزه لازم برای رشد است و به‌همین جهت، استحکام اقتصاد چین برای جهانیان بیشتر و بیشتر احساس می‌شود. اقتصاد چین از رشد سریع به سمت توسعه با کیفیت بالا در حال تغییر است و صنعتی‌شدن جدید، کاربرد فناوری اطلاعات، شهرسازی و نوسازی کشاورزی، با سرعت در حال تجمع و یکپارچه‌شدن است. از این منظر، می‌توان درک کرد که ساختار اقتصادی، دستخوش تعدیل عمیقی است، ارتقاء صنعتی همچنان ادامه دارد و حوزه‌هایی که رشد اقتصادی جدیدی را به‌همراه دارند، دائماً در حال ظهور هستند. نرخ شهرنشینی ساکنان دائمی در سال ۲۰۱۸ به ۵۹,۶ درصد رسیده و



به‌طور پیوسته افزایش خواهد یافت. تعداد ساکنان دائمی شهری نیز همچنان در حال افزایش است. این امر طیف گسترده‌ای از نیازها را در زمینه‌های مختلف از جمله زیرساخت‌ها، املاک و مستغلات، خرده‌فروشی‌های جدید، درمان پزشکی و بهداشت عمومی، آموزش، فرهنگ و سرگرمی به ارمغان می‌آورد و محرک مهمی برای توسعه اقتصادی است. بنابراین صنایع جدید و اشکال تجاری نوینی ظهور و بروز می‌کنند.

در سال ۲۰۱۸، ارزش افزوده تولید فناوری‌های پیشرفته ۱۱٫۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. ارقام مربوط به صنایع نوظهور راهبردی و تولید تجهیزات، به ترتیب ۸٫۹ درصد و ۸٫۱ درصد بود. وسایل نقلیه جدید، تلویزیون‌های هوشمند، باتری‌های لیتیوم‌یونی و مدارهای مجتمع (آی.سی) به ترتیب ۶۶٫۲، ۱۷٫۷، ۱۲٫۹ و ۱۱٫۲ درصد افزایش یافته است. نرخ رشد صنعت خدمات اطلاعات به میزان ۳۰٫۷ درصد است و نرخ رشد بازی‌های موبایل، خرید آنلاین، سیستم‌های اشتراک‌گذاری حمل و نقل (مثل اوبر)، شرکت‌های مسافرتی، رایانش ابری داده بزرگ و سایر صنایع فرعی ۳۰ تا ۵۰ درصد است. هر صنعت فرعی نیز تعدادی از شرکت‌های «یونیکورن»<sup>۳</sup> به دنیا معرفی کرده است. براساس گزارش MGI، تا سال ۲۰۴۰، انتظار می‌رود که یکپارچگی اقتصادی چین و بقیه جهان از ۲۲ هزار میلیارد دلار به ۳۷ هزار میلیارد دلار برسد که معادل ۱۵ تا ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی است. بنابراین، تقویت همکاری میان چین و کشورهای دیگر، ارزش اقتصادی عظیمی را به دنبال خواهد داشت.

{از طرفی}، اقتصاد چین و اقتصاد جهانی دستخوش تغییرات ساختاری شده و عمیقاً یکپارچه شده‌اند. چین که اقتصاد باثبات‌تر، کیفیت رشد بالاتر و چشم‌انداز امیدوارکننده و چشمگیری را تجربه می‌کند، در درازمدت به عاملی پایدار برای توسعه اقتصاد جهانی تبدیل خواهد شد (به کادر شماره ۶ مراجعه کنید). لذا در نظر گرفتن توسعه اقتصادی چین به عنوان یک «تهدید» یا «چالش» و تلاش برای خروج چین از زنجیره صنعت جهانی، زنجیره تأمین و نهایتاً زنجیره ارزش، برای اقتصاد جهانی نه تنها غیرواقعی که مخرب و مضر است.

#### کادر ۶- نهادهای بین‌المللی نسبت به چشم‌انداز اقتصادی چین خوش‌بین هستند

در ۴ ژوئیه ۲۰۱۹، آژانس بین‌المللی رتبه‌بندی اعتباری مودی، اعتبار چین را به عنوان اقتصادی با درجه A1، با یک چشم‌انداز اقتصادی پایدار مورد تأیید قرار داد. این موسسه معتقد است که تمرکز سیاست اقتصادی چین به سمت بهبود کیفیت رشد اقتصادی تغییر یافته است و چین مانع از افزایش اهرم اقتصادی کلی شده و ثبات مالی را حفظ کرده است. ذخایر ارزی عظیم چین و مدیریت راهبردی دولت نیز به تدابیری با هدف مهار ریسک‌های مالی کمک ند. در حالی که «چشم‌اندازهای جهانی اقتصاد» بانک جهانی در ژوئن سال ۲۰۱۹ پیش‌بینی رشد اقتصادی جهانی خود را برای سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ کاهش داده است، این نهاد، روند پیش‌بینی خود را برای رشد اقتصادی چین در سال جاری حفظ کرده، با بیان این استدلال که چین توانایی مقابله با چالش‌های خارجی و نوسان‌های پیش رو را دارد.

۳. یونیکورن، اسب شاخ‌دار فوق‌العاده زیبایی است که با شاخ جادویی و بال‌های گسترده، قدرت ماورایی به سوارکار خود می‌دهد. کسب و کارهای اینترنتی که لقب یونیکورن Unicorns می‌گیرند به لحاظ گستردگی بازار و قدرت مالی همانند اسب شاخ‌دار باقتدار دست نیافتنی، برای سایرین تبدیل به یک آرزو می‌شوند. اصطلاح اسب بالدار تک‌شاخ (یونیکورن) برای کسب و کارهای آنلاین به عنوان نماد تمایز، موفقیت و ارزش‌گذاری بالای مالی است. کسب و کاری که بیش از یک میلیارد دلار ارزش داشته باشد به یونیکورن معروف است. در این میان، Decacorn برای شرکت‌هایی که ارزش آنها بیش از ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود به کار رفته و اصطلاح Dectacorn برای شرکت‌هایی که ارزشی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار دارند استفاده می‌شود. (مترجم)



## ۲,۲. گشایش همه‌جانبه فرصت‌های بیشتری را برای همه کشورها ایجاد می‌کند تا مزایای توسعه چین را به اشتراک بگذارند

چین راهبرد سود متقابل را برای گشایش اقتصادی دنبال می‌کند و سعی در گسترش این سیاست دارد. یک محیط سیاسی امن و پایدار، گروه‌های مصرف‌کننده بزرگ با نیازهای فزاینده، کارگران سخت‌کوش و دارای مهارت، زیرساخت‌های سالم و کامل و یک فضای تجاری بین‌المللی و مناسب برای رقابت عادلانه تحت حاکمیت قانون، همه کشورها را با یک بازار وسیع‌تر، سرمایه بیشتر، محصولات غنی‌تر و فرصت‌های بیشتری برای همکاری مواجه می‌کند.

چین امیدوارکننده‌ترین بازار مصرف را در سطح جهان در اختیار دارد. این یعنی چین تنها «کارخانه جهان» نیست؛ بلکه یک بازار جهانی است. چین با جمعیتی نزدیک به ۱,۴ میلیارد نفر و گروه متوسط درآمد ۴۰۰ میلیون نفری، بزرگترین بازار جهان را دارد. توسعه پایدار و سالم اقتصاد چین باعث ایجاد تقاضای گسترده در بسیاری از زمینه‌ها شده و محرک مهمی برای توسعه اقتصادی است. چین از فضا و پتانسیل زیادی برای مصرف‌برخوردار است، که به وضوح بازار را به حرکت وامی‌دارد و سهم روزافزونی در اقتصاد ایفا می‌کند.

نرخ رشد مصرف از سرمایه‌گذاری‌های ثابت فراتر رفته است و تأثیر شیب آن نیز برجسته است (به کادر ۷ مراجعه کنید). طبق گزارش MGI، چین بزرگترین بازار جهان در بسیاری از بخش‌ها همچون خودرو، الکل و تلفن همراه است که حدود ۳۰ درصد از مصرف جهانی را به خود اختصاص داده است. این یعنی تقاضای عظیم مصرف در چین، بازار عظیمی را برای کشورهای در سراسر جهان فراهم می‌کند. پیش‌بینی می‌شود طی ۱۵ سال آینده، به ترتیب واردات کالا و خدمات چین از ۳۰ هزار میلیارد دلار و ۱۰ هزار میلیارد دلار آمریکا فراتر رود.

### کادر ۷- مصرف به وضوح در حال انتقال به بازار است

پیش از آغاز سیاست «اصلاحات و درهای باز» در سال ۱۹۷۸، ساکنان شهری و روستایی در چین هزینه‌های خود را صرف تهیه غذا و پوشاک می‌کردند. در سال ۱۹۷۸، ضریب شهری و روستایی انگل به ترتیب به اندازه ۵۷,۵ و ۶۷,۷ درصد بود. از سال ۱۹۷۸ سطح مصرف در چین بسیار بهبود یافته است و زیست‌فرهنگی مردم با ثروتمندتر شدن به پیش می‌رود. در سال ۲۰۱۰، ضرایب شهری و روستایی انگل به ترتیب به ۳۱,۹ و ۳۷,۹ درصد کاهش یافت. از زمان هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲، استانداردهای زندگی بیشتر بهبود یافته و از هر نظر، گام‌های بزرگی در جهت پیشرفت و جامعه نسبتاً مرفه برداشته شده است. در سال ۲۰۱۸، ضرایب شهری و روستایی انگل به ۲۷,۷ درصد و ۳۰,۱ درصد کاهش یافت.

چین جذاب‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری است. تقریباً ۹۰۰ میلیون نیروی کار دارد و بیش از ۷۰۰ میلیون نفر شاغل هستند. این کشور یک بانک استعدادهای ۱۷۰ میلیون نفری است که تحصیلات عالی یا حرفه‌ای دریافت کرده‌اند و سالانه بیش از ۸ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی تولید می‌کند. چین همچنان (به عنوان یک اولویت) به بهینه‌سازی محیط تجاری خود پایبند است و به تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران خارجی فضای گسترده‌تر و محیط تجاری بهتری ارائه می‌دهد (به کادر شماره ۸ مراجعه کنید). چین طیف گسترده‌ای از سیاست‌های آزادسازی و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری را اجرا کرده است.



چین در حمایت از حقوق مالکیت معنوی قدم برداشته است. این اقدام، سیستم‌ها، سازوکارها، قوانین و مقررات مربوطه را بهبود بخشیده و نظام حفاظت از نوآوری را در راستای قوانین اقتصادی و تجاری بین‌المللی تقویت کرده است؛ به‌گونه‌ای که محافظت قدرتمندتر و مؤثرتری را برای سرمایه‌گذاران و دارندگان حق مالکیت معنوی (IPR) فراهم می‌کند. براساس «گزارش سرمایه‌گذاری جهانی ۲۰۱۹» در چارچوب کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)، در سال ۲۰۱۸، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ادامه ۱۳ درصد کاهش نسبت به سال گذشته، روند نزولی خود را ادامه داده است، اما چین با ادامه روند رشد مناسب اقتصادی خود، دومین دریافت‌کننده بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان شد. در نیمه اول سال ۲۰۱۹ نیز، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای استفاده واقعی در چین، رقم ۷۸,۳۳ میلیارد رنمینبی بود که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷,۲ درصد افزایش داشته است. سرمایه‌گذاری خارجی در تولید و خدمات با فناوری پیشرفته نیز رشد بسیار سریعی را به نمایش گذاشته است.

#### کادر ۸- محیط تجارت همچنان رو به بهبود است

در چارچوب رو به رشد مقابله با جهانی‌شدن و حمایت‌گرایی تجاری، چین به‌طور جدی برنامه اصلاحات و گشایش اقتصادی را ارتقا داده است. بر این اساس در سال ۲۰۱۸، یک سری از اقدامات اساسی این سیاست را آغاز کرد و باعث بهبود بیشتر فضای کسب و کار شد. نخست، نرخ تعرفه کلی به ۷,۵ درصد کاهش یافته است که شامل ۱,۵۸۵ فقره مالیاتی، با میانگین کاهش در حدود ۲۶ درصد بوده است. از این تعداد نرخ مالیات بر روی خودروها از ۲۵ به ۱۵ درصد کاهش یافته است و نرخ مالیات بر روی قطعات خودرو به ۶ درصد کاهش یافته است. دوم، چین همچنان به سهولت دسترسی به بازار و تشویق رقابت ادامه می‌دهد. ما دسترسی به بازار را برای صنایع بانکی، اوراق بهادار و بیمه به‌طور قابل‌توجهی تسهیل خواهیم کرد، محدودیت‌های مالکیت خارجی را تا سال ۲۰۲۰ حذف می‌کنیم و دامنه تجارت را به‌طور قابل‌توجهی گسترش می‌دهیم. ما به سرمایه‌گذاران خارجی در صنایعی مانند گزارش اعتبار کسب‌وکار، رتبه‌بندی اعتباری، ترخیص کارت بانکی و پرداخت‌های غیر بانکی، کمک خواهیم کرد. ما به‌طور پیوسته افتتاح دو طرفه بازار سرمایه را ارتقا خواهیم داد. پیشرفت قابل‌توجهی در دسترسی به بازار و گسترش مشاغل برای موسسات مالی با بودجه خارجی حاصل شده و (به طریق اولی)، محدودیت‌های مالکیت خارجی برای هواپیماها و صنایع کشتی‌سازی برداشته شده است. در طول سه سال گذشته، چین سه بار لیست منفی سرمایه‌گذاری‌های خارجی را کاهش داده و اقدامات محدودکننده در مقابل سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به میزان ۵۷ درصد تقلیل داده است. سوم، ما توسعه مناطق آزاد تجاری آزمایشی را تسریع خواهیم کرد و چشم‌اندازهای جدیدی برای سیاست اصلاح و درهای باز در سطوح بالاتر مورد توجه قرار خواهیم داد. ما ساخت یک بندر تجاری آزاد در هاینان را بررسی خواهیم کرد. ما یک منطقه جدید را در منطقه تجاری آزاد چین (شانگهای) برای تشویق و حمایت از تلاش‌های نوآورانه شانگهای در ترویج سرمایه‌گذاری و آزادسازی تجارت، تسهیل و تاسیس خواهیم کرد. چهارم؛ ما محیط کسب و کار را بهبود خواهیم بخشید. براساس گزارش بانک جهانی، چین در رده ۴۶ از ۱۹۰ اقتصاد جهان از نظر محیط کسب‌وکار، ۳۲ پله نسبت به سال گذشته، ارتقاء جایگاه داشته است. در این راستا، چین برای شروع یک کسب‌وکار (رتبه ۲۸)، به دست آوردن برق (رتبه ۱۴)، ثبت دارایی‌ها (رتبه ۲۷)، و اجرای قراردادهای (در رتبه ۶) جهان قرار دارد.

با جهانی شدن چین، کشورهای بیشتری منتفع خواهند شد. شرکت‌های چینی به‌طور فعال در رقابت و همکاری‌های بین‌المللی شرکت می‌کنند، فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری جهانی و عمیق‌تری انجام می‌دهند و به رشد اقتصادی کشورهای میزبان و گسترش اشتغال محلی کمک می‌کنند. بررسی سرمایه‌گذاری چین در آفریقا توسط دانشکده مطالعات شرقی



و آفریقایی (SOAS) از دانشگاه لندن نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد کارمندان در کارگاه‌های ساختمانی و کارخانه‌هایی که توسط شرکت‌های چینی در اتیوپی اداره می‌شوند، ساکنان محلی هستند. شرکت‌های چینی تعداد زیادی شغل در آفریقا ایجاد کرده‌اند. تخمین زده می‌شود که تجارت خارجی کالاهای چین در پنج سال آینده به ۲۵ هزار میلیارد دلار برسد. با ادامه سیاست گشایش اقتصادی چین در عرصه جهانی، شرکت‌های چینی بیشتری در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند و چینی‌های بیشتری به تحصیل، کار و مسافرت به خارج از کشور می‌پردازند. چین فعالانه با رویکردی جهانی به نوآوری علمی و فن‌آوری، شرایط را به نفع هر دو کشور چین و دیگر کشورهای جهان ارتقا داده است و افراد بیشتری می‌توانند از سهولت و مزایای ناشی از علم و فن‌آوری بهره‌مند شوند. (به کادر ۹ مراجعه کنید).

### کادر ۹- نوآوری‌های چین در علم و فناوری از جهان سود می‌برد

برنج ترکیبی، امنیت جهانی غذا را تضمین می‌کند. در اوایل دهه ۱۹۹۰، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) فناوری برنج ترکیبی چین را به عنوان یکی از راهبردهای اصلی برای حل بحران غذایی در کشورهای در حال توسعه تصدیق کرد. چین از طریق برنامه همکاری جنوب-جنوب تحت چارچوب فائو، فناوری‌های کشت برنج ترکیبی را در اختیار ۲۸ کشور و منطقه در سراسر جهان قرار داده است. تا پایان سال ۲۰۱۸، بیش از ۴۰ کشور بیش از ۷ میلیون هکتار برنج ترکیبی کاشته‌اند، که این دستاورد به‌طور متوسط سالانه بیش از ۲۰ درصد عملکرد برنج محلی را افزایش داده است. این افزایش می‌تواند حدود ۳۰ میلیون نفر را تغذیه کند. نقش چین در تولید داروی ضد مالاریا نیز همین ویژگی را برای جهان به‌همراه داشته است. راه‌آهن پر سرعت چین، سهولت اتصال به جهان را ارتقا می‌بخشد. از آنجا که ابتکار کمربند و راه، پیشنهاد شده و در مرحله عملیاتی شدن قرار دارد، راه‌آهن پر سرعت چین با سرعت، وارد بازارهای خارجی شده است. این دستاورد، توسعه اقتصادی و اشتغال محلی را ارتقا داده است. فناوری ارتباطات چین بین «شکاف دیجیتالی» جهانی پل می‌زند. شرکت‌های مخابراتی چین به‌طور فعال جهانی می‌شوند و در تلاش‌اند تا دیجیتالی‌شدن جهانی را ارتقا دهند، و در پرتو آن، مردم بیشتری در سرتاسر جهان منتفع شوند. تا سال ۲۰۱۸، شرکت هواوی در بیش از ۱۷۰ کشور و منطقه، بیش از ۱۵۰۰ شبکه را مورد پوشش قرار داده است و تسهیل ارتباطات مخابراتی را برای بیش از ۳ میلیارد نفر در سراسر جهان (از جمله در بسیاری از کشورهای آفریقایی) فراهم نموده است. تا ژوئن سال ۲۰۱۹، هواوی ۵۰ قرارداد ۵G تجاری در سراسر جهان را تأمین کرده و بیش از ۱۵۰ هزار ایستگاه مینا را تحویل داده است.

سیاست درهای باز باید بیش از یک بازی با حاصل جمع صفر، سودمندی متقابل را عرضه کند. فقط منفعت متقابل می‌تواند تاب بیاورد. چین متعهد است که واردات را بیشتر گسترش دهد، دسترسی به بازار را تسهیل کند، محیط تجاری را بهبود بخشد و حمایت از حقوق مالکیت معنوی را تقویت نماید. سایر کشورها نیز باید درهای اقتصاد خود را گشوده و اقدامات مناسبی را برای بهبود فضای کسب و کار انجام دهند. تنها با حرکت به سمت یکدیگر می‌توانیم یک محیط توسعه‌یافته ایجاد کنیم که باز، فراگیر، متعادل و سودمند برای همگان باشد. لذا باید کیک توسعه را بزرگ‌تر کرده و یک جامعه مشترک با منافع مشترک سامان دهیم.





### ۳,۲. چین خیر همگانی بیشتری را به جامعه بین‌المللی ارائه می‌دهد

چینی‌ها همواره اعتقاد داشته‌اند که: «اگر شما آرزوی مقام و جایگاه دارید؛ پس به دیگران کمک کنید تا مقام و جایگاه خودشان را به دست آورند». از همین رو ما به مردم جهان اهمیت می‌دهیم و (به واسطه آن)، پیشرفت خود را هم دنبال می‌کنیم. چین برای توسعه خود از جامعه جهانی سود برده و هیچگاه فراموش نکرده است که در عوض، کالاهای عمومی (خیر همگانی) بیشتر و بهتری را برای جهان فراهم کند.

ما کمربند و راهی با کیفیت را با همکاران و شرکای خود خواهیم ساخت. «ابتکار کمربند و راه» (BRI) بر اساس اصول مشاوره و رایزنی گسترده، مشارکت و منافع مشترک استوار است و با روحیه جاده ابریشم که با صلح، همکاری، باز بودن، فراگیر بودن، یادگیری و منافع متقابل استوار است، هدایت می‌شود. با تمرکز بر هماهنگی سیاست، اتصال زیرساخت‌ها، تجارت بدون موانع، ادغام مالی و پیوندهای نزدیکتر بین مردم ب1 مردم، این هدف از ایده‌ها به عمل، از تصویر به واقعیت و از یک ابتکار مفهومی به یک محصول عمومی محبوب در سطح جهانی تبدیل شده است (نگاه کنید به کادر ۱۰).

در نوامبر سال ۲۰۱۶، سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در چارچوب آن، از ابتکارات همکاری اقتصادی مانند کمربند و راه استقبال نمود. در مارس ۲۰۱۷ نیز، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه خود از همه کشورها خواست تا ابتکار عمل و ایجاد جامعه جهانی با آینده مشترک را ارتقا دهند. ابتکار کمربند و راه در چین سرچشمه گرفت، اما فرصت‌ها و دستاوردهای آن متعلق به تمام جهان است. براساس یک گزارش تحقیقاتی بانک جهانی، این ابتکار به ۷,۶ میلیون نفر از فقر شدید و ۳۲ میلیون نفر از فقر متوسط کمک می‌کند. تأثیر این امر در کشورهای مشمول این ابتکار به ارتقاء تجارت بین ۲,۸ تا ۹,۷ درصد، تجارت جهانی حدود ۱,۷ تا ۶,۲ درصد و درآمد جهانی ۰,۷ تا ۲,۹ درصد کمک کرده است. این ابتکار راهی واقعی برای به اشتراک گذاری منابع، رونق و توسعه مشترک است.

#### کادر ۱۰ - از زمان شروع ابتکار کمربند و راه، نتایج مفیدی حاصل شده است

اولین مورد در هماهنگی سیاست است. از زمان طرح این ابتکار عمل، از طرف بیش از ۱۶۰ کشور، منطقه و سازمان‌های بین‌المللی پاسخ‌های مثبت دریافت شده است. تا پایان اوت ۲۰۱۹، دولت چین ۱۹۵ اسناد همکاری را در قالب ابتکار کمربند و راه با ۱۳۶ کشور و ۳۰ سازمان بین‌المللی امضا کرده است. مورد دوم در ارتباط با زیرساخت‌ها است. پیشرفت‌های بزرگی در ساخت شبکه‌های کلیدی راه‌آهن بین منطقه‌ای و بین قاره‌ای مانند راه‌آهن چین-لاتوس، راه‌آهن چین-تایلند، راه‌آهن مجارستان - صربستان و قطار پر سرعت جاکارتا- باندونگ صورت گرفته است. تا پایان ژوئن ۲۰۱۹، در مجموع حدود ۱۶۷۶۰ قطار باری چین - اروپا، موفق شده‌اند ۱,۵ میلیون تی.ای.یو (TEU) کالا حمل و جابجا کنند و در این چارچوب، محصولات را به ۱۶ کشور و ۵۳ شهر اطراف ارسال نمایند. سوم در تجارت بدون موانع است. چین ۱۸ منطقه آزاد تجاری آزمایشی راه‌اندازی کرده است. از زمان اولین مجمع کمربند و راه برای همکاری‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۷، چین و سایر کشورها در امتداد مسیرها، بیش از ۱۰۰ سند بازرسی گمرکی و همکاری قرنطینه را امضا کرده‌اند و بیش از ۴۰ مکانیسم همکاری برای بازرسی گمرکی و قرنطینه ایجاد شده است. به همین منظور، از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، واردات و صادرات کالا بین چین و سایر کشورهای مشمول ابتکار کمربند و راه، تقریباً ۶,۵ هزار میلیارد دلار آمریکا بوده است. چهارم در ادغام مالی است. سیستم تأمین مالی، سرمایه‌گذاری باز، کثرت‌گرا و بازار محور به‌طور مداوم بهبود یافته است. تا پایان سه ماهه اول سال ۲۰۱۹، بانک خلق چین، شرکت مالی بین‌المللی گروه بانک جهانی، بانک اروپایی بازرسی و توسعه و بانک توسعه آفریقا، به‌طور مشترک نزدیک به ۲۰۰ پروژه و بیش از ۷۰ کشور را با تأمین مالی پوشش داده‌اند. تا پایان سال ۲۰۱۸، شرکت‌های چینی بیش از ۹۰ میلیارد دلار در کشورهای مشمول ابتکار



کمربند و راه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و گردش مالی پروژه‌های پیمانکاری از ۴۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته است. پنجمین مورد در خصوص روابط نزدیک مردم با مردم است. تا ژوئیه ۲۰۱۹، از ۱۳۶ کشوری که اسناد همکاری کمربند و ابتکار راه را با چین امضا کرده‌اند، چین با ۱۱۳ کشور جهان توافق‌نامه‌های متقابل معافیت روادید را (با انواع گذرنامه‌ها) پوشش داده است و با ۲۵ کشور جهان، موافقت‌نامه‌های تسهیل امضا کرده است. از زمان آغاز طرح کمربند و راه در سال ۲۰۱۳، چین با ۷۱ کشور شرکت‌کننده موافقت‌نامه‌های لغو متقابل روادید و با ۱۱ کشور، موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات تسهیل ویزا را منعقد کرده است. از اولین مجمع کمربند و راه برای همکاری‌های بین‌المللی نیز، چین مبلغ ۲ میلیارد رنمینی غذای فوری برای کشورهای در حال توسعه‌ای فراهم کرده است که در امتداد مسیرهای طرح بوده‌اند و در همسین راستا، چین حدود ۱۰۰ پروژه «خانه شاد»، ۱۰۰ پروژه ریشه‌کنی فقر، و ۱۰۰ پروژه مراقبت‌های بهداشتی و توان‌بخشی را راه‌اندازی کرده است. در سال ۲۰۱۷، تعداد ۳۸۷۰۰ نفر از کشورهای در مسیر کمربند و راه، در چین با بورس تحصیلی دولتی تحصیل کرده‌اند. در سال ۲۰۱۸، چین میزبان ۵۰۰ دانشمند جوان از دیگر کشورهای مشمول ابتکار کمربند و جاده برای انجام مبادلات تحقیقاتی بود.

چین در حال ایجاد چارچوب‌هایی برای گفتگو و همکاری چندجانبه است. ما قاطعانه از چندجانبه‌گرایی حمایت می‌کنیم و از این موضوع که امور بین‌الملل باید توسط همه مورد بحث و بررسی قرار گیرد پشتیبانی می‌کنیم. چین بستری برای گفتگو و همکاری چندجانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و ... ایجاد کرده است. برای ارتقاء همکاری‌های چندجانبه، ما ترتیباتی چندجانبه را در سطح جهانی و منطقه‌ای ایجاد کرده‌ایم که برخی از مهم‌ترین آنها را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

- مجمع کمربند و راه برای همکاری‌های بین‌المللی
- نمایشگاه بین‌المللی واردات چین
- مجمع بین‌المللی اقتصادی هونگچیانو
- مجمع همکاری چین و آفریقا (فوکاک)
- مجمع همکاری چین و کشورهای عرب
- مجمع همکاری چین – سلاک (جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب) CELAC
- مجمع آسیایی بوائو
- نمایشگاه چین – آسه‌آن
- نمایشگاه چین و کشورهای عرب
- نمایشگاه اقتصاد و تجارت چین – آفریقا
- کنفرانس گفتگوی تمدن‌های آسیایی و
- کنفرانس جهانی اینترنت.

چین میزبان اجلاس سران سیکا (CICA) در شانگهای، نشست غیررسمی رهبران آپک (APEC) در پکن، اجلاس گروه ۲۰ (G۲۰) در هانگژو، اجلاس بریکس (BRICS) در شیانم و اجلاس سازمان همکاری شانگهای (SCO) در چینگدائو بوده است که این مجامع و نشست‌ها، یک سری از دستاوردهای پیشگامانه، پیشرو و سازمانی را عرضه می‌کند. ما نهاد‌های همکاری مالی بین‌المللی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و بانک توسعه جدید را تأسیس کرده‌ایم که سهم فزاینده‌ای در توسعه



فراگیر جهان داشته است. سازمان همکاری شانگهای نیز با همکاری چین، نقش مهمی در حفاظت از صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی ایفا نموده است.

چین فعالانه در امور بین‌الملل و منطقه‌ای شرکت می‌کند. به‌عنوان یک عضو دائم شورای امنیت ملل متحد، این کشور در تلاش است تا در پرتو خرد و قدرت، به حل‌وفصل مسائل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای کمک کند. چین برای ارتقاء حل‌وفصل سیاسی شبه‌جزیره کره، مسأله هسته‌ای ایران، سوریه و افغانستان تلاش کرده است و متعهد به ترویج گفتگو و مشورت و جستجوی راه‌حل‌های قابل‌قبول برای همه طرف‌های درگیر است. ما به‌طور فعال در روند مدیریت تغییرات آب و هوایی با محوریت سازمان ملل و سایر چارچوب‌های چندجانبه شرکت کرده و از اجرای توافق‌نامه پاریس حمایت کرده‌ایم. ما راهبرد جهانی مبارزه با تروریسم سازمان ملل و قطعنامه‌های ضد تروریسم شورای امنیت را ارتقا داده و به اجرا در آورده‌ایم و به‌طور فعال در اقدامات بین‌المللی ضد تروریسم شرکت می‌کنیم. ما تبادلات و همکاری‌های بین‌المللی را در زمینه انرژی، غذا و امنیت شبکه و در مناطق قطبی، فضا و اقیانوس‌ها تقویت کرده‌ایم.

چین به‌طور فعال به کشورهایی که نیازمند هستند کمک کرده است. به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، چین با دیگر کشورهای در حال توسعه - از نظر فقر و رنجی که آن‌ها تجربه می‌کنند، همذات‌پنداری می‌کند و به آن‌ها مدد می‌رساند. چین همزمان که از منافع بیشتر حمایت می‌کند؛ از راهبرد منافع مشترک پیروی می‌کند، به اصول احترام متقابل، برابری، حفظ تعهد، منافع متقابل، و ارائه حداکثر کمک در چارچوب ظرفیت خود پایبند است. این کشور کمک‌های مالی، فنی، پرسنلی و فکری را به کشورهای در حال توسعه بدون هیچ‌گونه پیوند سیاسی ارائه می‌دهد، تا به کشورهای گیرنده، کمک کند تا ظرفیت خود را برای توسعه مستقل تقویت کرده و توسعه اقتصادی و اجتماعی سال ۲۰۳۰ را برای توسعه پایدار به دست آورند.

#### ۴,۲. توسعه چین، تجربه و مرجعی برای سایر کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند.

برای یک کشور آسان نیست که یک مسیر توسعه متناسب را با شرایط ملی خود پیدا کند. در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای در حال توسعه با این امید که خود را مرفه و قدرتمند جلوه دهند، تلاش زیادی به خرج داده‌اند، اما تعداد معدودی واقعاً راه درست را پیدا کرده‌اند و به پیشرفت خوبی دست یافته‌اند. برخی از کشورها کورکورانه از مسیر دیگران نسخه‌برداری کرده و یا مجبور شدند الگوی غربی را اتخاذ کنند؛ اما به پیشرفت اقتصادی یا ثبات سیاسی نرسیدند. درعوض آنها دچار ناآرامی‌های اجتماعی، بحران اقتصادی، فلج حکمرانی و حتی جنگ داخلی بی‌پایان شدند.

با گذشت چندین دهه پیگیری و تلاش دشوار، چین همچنان راه خود را در پیش گرفته و مسیر توسعه خود را شکل داده است. موفقیت چین باعث افزایش اعتماد به‌نفس سایر کشورهای در حال توسعه در توانایی خود برای دستیابی به رفاه، گسترش مسیرهای آن‌ها به سمت نوسازی، و ارائه تجربه و رجوع به کشورهایی است که می‌خواهند توسعه خود را تسریع کنند، استقلال خود را حفظ کنند و آن‌ها را قادر به انتخاب راهی برای همسو با شرایط ملی خود نمایند.

نسخه‌برداری یا تقلید از سایر کشورها راهی را برای پیشرفت به ارمغان نمی‌آورد. بزرگترین الهام از توسعه چین این است که چه نوع از مسیر را یک کشور باید طی کند و بر اساس تجربه دیگر کشورها مبتنی شود؛ اما مهمتر از آن باید مسیر را بر واقعیت‌های کشور خود استوار سازد و باید توسط افراد آن جامعه مطابق با تاریخ خود، سنت‌های فرهنگی و سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی تصمیم گرفته شود. هیچ مورد یا مسیری به‌عنوان یک الگوی واحد که کاربرد جهانی داشته باشد وجود ندارد. کشورها می‌توانند از یکدیگر یاد بگیرند؛ اما نوسازی با غربی‌شدن برابر و یکسان نیست و نمی‌توان با همان مدل به



صورت مکانیکی به توسعه دست یافت. اینکه مسیر یک کشور درست است یا نه، بستگی به این دارد که آیا این مسیر می‌تواند مشکلات تاریخی و عملی پیش روی کشور را حل کند؛ آیا این می‌تواند رفاه مردم را بهبود ببخشد، یا اینکه روش مذکور می‌تواند حمایت و پشتیبانی مردم را به‌همراه داشته باشد یا خیر.

این حق هر کشور مستقل برای انتخاب مسیر توسعه خود است. هیچ کشوری نمی‌تواند مدل خود را بر دیگران تحمیل کند، چه رسد به اینکه با زور دولت‌ها و نظام‌های سیاسی کشورهای دیگر را واژگون سازد. چین به مسیرهای مختلفی که توسط سایر کشورهای انتخاب شده‌اند احترام می‌گذارد. این مدل، نه به «واردات» مدل‌های خارجی و نه به «صادرات» مدل چینی است و ما هرگز نیازی به کشورهای دیگر نداریم که شیوه‌های ما را تکرار کنند. چین با تکمیل تجربه خود، به بررسی قوانین نوسازی، حاکمیت و جامعه بشری، تقویت مبادلات با سایر کشورها در چارچوب حاکمیت دولت، و اشتراک تجارب برای تحقق مشترک حکمرانی خوب ادامه خواهد داد.

## ۵.۲. چین هرگز به دنبال هژمونی (سلطه) نخواهد بود

این درست است که در گذشته، کشورهایی که نیرومند شدند به دنبال هژمونی بودند؛ اما این یک قانون تاریخی نیست و اگر کسی بخواهد تجربه برخی قدرت‌های غربی و منطق آنها را در مورد چین اعمال، و یا به این کشور تسری دهد، نتیجه‌گیری پوچ و تحریف می‌شود. تلاش چین برای توسعه مسالمت‌آمیز، لفاظی دیپلماتیک، عملی مصلحتی یا ابهام راهبردی نیست. در عوض، این اعتماد به نفس چین به فکر و آمادگی برای عمل را نشان می‌دهد و نمایانگر انتخاب راهبردی و تعهد بی حد و حصر چین در خصوص مسیر توسعه خود است. چین هرگز هژمونی یا توسعه‌طلبی را دنبال نخواهد کرد و به دنبال ایجاد حوزه‌های نفوذ نخواهد بود؛ فارغ از اینکه اوضاع بین‌المللی چگونه تغییر کند، و چین چطور خودش را توسعه می‌دهد.

چین راه توسعه مسالمت‌آمیز را پی می‌گیرد که از میراث عمیق تمدن چین ناشی می‌شود. تمدن چین از سرزمین خود و مزارع سرچشمه گرفته است. این یک تمدن میانه‌رو و دفاعی است. با سابقه‌ای که قدمت آن به بیش از ۵۰۰۰ سال می‌رسد، فرهنگ چین حاکی از دیدگاهی کیهانی {فلسفه انتظام گیتی} وحدت انسان و طبیعت، رویکرد هماهنگی بین‌المللی میان همه کشورها، دیدگاه هماهنگی اجتماعی در تنوع، و دیدگاه اخلاقی در پرتو مهربانی و خیرخواهی است. از زمان‌های باستان، چین حامی این تفکر و اندیشه بوده که «افراد قوی نباید بر ضعیف‌ها ظلم کنند، و ثروتمندان نباید از فقرا سوءاستفاده کنند» و با دیگران به‌گونه‌ای رفتار نکنند که نمی‌خواهید دیگران با شما رفتار کنند». چین به این مهم واقف است که «یک کشور جنگجو، با تمام عظمت و بزرگی، در نهایت نابود خواهد شد». ملت چین ژن حمله به دیگران و تسلط بر جهان را ندارد. از اواسط قرن نوزدهم، چین مورد سوءاستفاده قدرت‌های غربی قرار گرفت و این تجربه، خاطراتی غیرقابل توصیف از رنج‌های ناشی از جنگ و بی‌ثباتی به جای گذاشته است. به‌همین منظور، چین هرگز رنجی را بر ملت‌های دیگر تحمیل نمی‌کند.

توسعه مسالمت‌آمیز چین ناشی از درک او از شرایط رسیدن به اهداف توسعه ناشی می‌شود. توسعه اولویت اصلی چین است. در طول ۷۰ سال گذشته، چین از یک محیط خارجی صلح‌آمیز و پایدار بهره‌مند شده و در آینده نیز به چنین محیط خارجی احتیاج دارد. نکته اصلی موفقیت چین در تمرکز بر اجرای درست امور خود و تحقق پیشرفت متقابل در پرتو صلح و توسعه نهفته است. توسعه‌طلبی و سلطه بر خلاف منافع چین و خواست مردم این کشور است. لذا این اراده ملی ناخواسته چین در تلاش برای ایجاد یک محیط بین‌المللی صلح‌آمیز است که مطلوب توسعه بوده و باعث صلح و توسعه مشترک شده می‌شود.



توسعه صلح‌آمیز چین از درک عمیق روند کلی توسعه جهانی نشات می‌گیرد. امروزه، کشورها در حال تبدیل شدن به یک جامعه درهم‌تنیده از علایق و آینده مشترک، و صلح، توسعه، همکاری و منافع متقابل، در گذر زمان هستند. هر کشوری، بزرگ یا کوچک، قوی یا ضعیف، تنها در صورت مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی و بر اساس برابری و منافع متقابل می‌تواند به توسعه پایدار دست یابد. در مقابل، دنبال کردن هژمونی و نظامی‌گری فقط قدرت و انرژی ملی را مصرف می‌کند که نهایتاً به زوال می‌انجامد. در تاریخ بشریت، مبارزه برای هژمونی قدرت‌های بزرگ، منجر به جنگ‌های مکرر، از بین رفتن زندگی، عقب‌ماندگی برای بشریت و حتی عقب‌نشینی تمدن بشری شده است. درس‌ها از این وقایع هم دردآور و هم عمیق بوده‌اند. صلح، توسعه و ثبات، به جای جنگ و فقر و هرج و مرج، آرمان‌های واقعی مردم همه کشورها هستند. بنابراین، مسیر توسعه صلح‌آمیز چین مطابق با روند تاریخ و روند کلی جهان است.

چین حق توسعه دارد و مردم آن حق دارند زندگی بهتری را دنبال کنند. به‌عنوان کشوری که در گذشته دچار سوءاستفاده دیگران شده و تحقیر را تجربه کرده است، چین قصد دارد با پیشرفت خود، عزت، امنیت و زندگی بهتر را برای مردم خود به ارمغان آورد. چین به‌طور طبیعی توسعه می‌یابد و قوی‌تر می‌شود، اما نمی‌خواهد هیچ کشور دیگری را در این روند تهدید کند، به چالش بکشد، یا جایگزین کند؛ و از همین‌رو چین به دنبال هژمونی نخواهد بود. آینده چین به دست خودش است. این مردم چین هستند که سرنوشت خود را تعیین می‌کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند چینی‌ها را از حق ادامه زندگی بهتر محروم کند. هیچ‌کس نمی‌تواند مانع حرکت چین شود.

چین قاطعانه به توسعه صلح‌آمیز متعهد است و امیدوار است که همه کشورهای جهان نیز به همین ترتیب عمل کنند. تنها زمانی که کشورها مسیرهای توسعه مسالمت‌آمیز را طی می‌کنند، می‌توانیم با هم در صلح و آرامش زندگی کنیم. چین هرگز به ضرر دیگران توسعه نخواهد یافت و از حقوق و منافع مشروع خود هم دست نخواهد کشید. هیچ کشور خارجی نباید انتظار داشته باشد که چین منافع اصلی خود را مبادله کند و یا هر چیزی را که به حاکمیت، منافع امنیتی و توسعه کشور چین آسیب برساند بپذیرد.

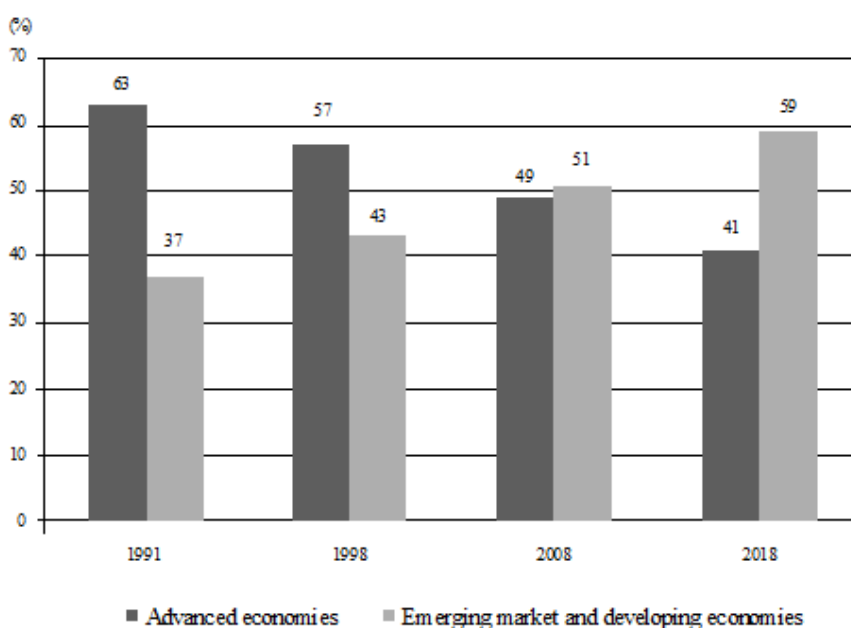
### فصل ۳. جهانی مرفه و زیبا آرزوی مشترک همه مردم است.

صلح و توسعه همچنان مضامین اساسی دوران ما هستند. با این حال، جهان با بسیاری از مشکلات و چالش‌های جدید روبرو است. یکجانبه‌گرایی، حمایت‌گرایی، سلطه‌طلبی و سیاست قدرت، برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر صلح و ثبات جهانی هستند. این آرزوی مشترک مردم همه کشورها برای ساختن جهانی آزاد، فراگیر، پاک و زیبا است که از صلح پایدار، امنیت جهانی، و رونق مشترک برخوردار است و جایی است که همه در صلح و آرامش زندگی می‌کنند.

#### ۱،۳. جهان در حال تجربه بزرگترین تغییرات در طول یک قرن گذشته است.

بشریت با وجود بسیاری از جنگ‌های خونین و جنگ سرد، پیشرفت چشمگیری در طول قرن گذشته داشته است. قرن بیست و یکم شاهد افزایش جهانی شدن اقتصاد و تحولات سریع سیاسی و اقتصادی بین‌المللی بوده است. مشکلات شدید در توسعه جهانی، به‌طور فزاینده‌ای برجسته شده‌اند. ساختارهای بین‌المللی قدرت در حال حرکت به سمت تعادل هستند. نظم بین‌المللی و نظام مدیریت جهانی تغییرات بیشتری را تجربه کرده‌اند. همه این‌ها نشان می‌دهند که جهان در یک دوره از توسعه بزرگ، تحول و تعدیل قرار دارد و بیشترین تغییرات در یک قرن را پشت سر می‌گذارد.

تغییر، فرصت‌هایی را به ارمغان می‌آورد. یکی از قابل توجه‌ترین تغییرات این است که ظهور چین و سایر بازارهای در حال ظهور و کشورهای در حال توسعه، به‌طور اساسی باعث تغییر در ساختارهای بین‌المللی قدرت شده است. سیاست بین‌الملل و نظام اقتصادی از زمان نخستین انقلاب صنعتی تحت سلطه قدرت‌های غربی بوده است. در دهه‌های اخیر، بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه، رشد سریعی را با کشف فرصت‌های تاریخی ارائه شده توسط جهانی شدن اقتصادی یافته‌اند. بر اساس آخرین داده‌های منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول، سهم بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در تولید جهانی، که با برابری قدرت خرید اندازه‌گیری می‌شود، ابتدا در سال ۲۰۰۸ از اقتصادهای پیشرفته پیشی گرفت و تا ۵۹ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت (شکل ۲ را ببینید).



شکل ۲- سهم درصد اقتصادهای پیشرفته و بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی



جهان به سرعت به سمت چندقطبی شدن، مدل‌های متنوع توسعه جدید و همکاری در حکمرانی جهانی پیش می‌رود. اکنون برای یک کشور یا بلوکی از کشورها امکان تسلط بر امور جهانی غیرممکن است. ثبات، صلح و توسعه به آرمان‌های مشترک جامعه بین‌المللی تبدیل شده‌اند. علم و فن‌آوری نیروی پیشرو در ایجاد تغییرات اساسی به‌شمار می‌روند. پیشرفت‌ها در انقلاب جدید فن‌آوری و تحولات صنعتی و استفاده گسترده از نسل جدید فن‌آوری اطلاعات، ابزارها، صنایع و اشکال تجاری جدیدی را ایجاد کرده و بهره‌وری ما را به سطح بالاتری سوق داده است.

تغییر، ریسک‌ها و چالش‌هایی را هم به‌همراه خود دارد. چشم‌انداز بین‌المللی عمیقاً در حال تحول، شامل تغییرات پیچیده و درهم‌تنیده و تعامل عوامل، نیروها و مشکلات قدیمی و جدید است. این {تغییر} همچنین به معنای تغییر شکل مجدد روابط بین بازیگران اصلی، نظم بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای، روندهای فکری و نظام حکمرانی جهانی است. به‌همین جهت، عوامل بی‌ثباتی و عدم اطمینان در حال افزایش است. مشکلات و کمبودها در حکمرانی، اعتماد، صلح و در توسعه نیز رو به رشد است. جهان با خطر بروز مجدد واگرایی و حتی تقابل و رویارویی مواجه است.

رشد اقتصاد جهانی به دلیل نبود انگیزه در حال کند شدن است، به‌عنوان نتیجه، پی‌گیری بیش از حد سود سرمایه در حال گسترش است. سیاست حمایت‌گرایی در حال افزایش است. بدهی عمومی و خصوصی جهانی با شیب تندی در حال افزایش است. برخی از اقتصادهای نوظهور با آشفته‌گی مالی بزرگی روبرو شده‌اند. لذا اقتصاد جهانی با فشار رو به پایین مواجه است (به کادر شماره ۱۱ مراجعه کنید).

### کادر ۱۱ - کند شدن اقتصاد جهانی در معرض خطرات اساسی است

رشد اقتصادی جهانی در وضعیت نامناسبی قرار دارد. صندوق بین‌المللی پول در ماه آوریل برای ۷۰ درصد از اقتصاد جهانی کاهش رشد را در سال ۲۰۱۹ پیش‌بینی کرد. در ماه ژوئیه صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی رشد ۳,۲ درصدی برای اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹، ۱,۹ درصد برای اقتصادهای پیشرفته و ۴,۱ درصد برای بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه را پیش‌بینی کرده است. پیش‌بینی می‌شود رشد در ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ رقمی معادل ۲,۶ درصد باشد و در سال ۲۰۲۰ این رقم به ۱,۹ درصد کاهش یابد. رشد در سال ۲۰۱۹ برای منطقه یورو رشد اقتصادی ۱,۳ درصد و برای ژاپن ۰,۹ درصد پیش‌بینی شده است. رشد در کشورهای بریکس در سال ۲۰۱۹ با ۶,۲ درصد برای چین، ۷ درصد برای هند، ۱,۲ درصد برای روسیه، ۰,۸ درصد برای برزیل و نهایتاً ۰,۷ برای آفریقای جنوبی پیش‌بینی شده است. با این حال، رشد تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی پایین‌تر از پیش‌بینی است. سازمان تجارت جهانی انتظار دارد که حجم تجارت جهانی کالا تنها در سال ۲۰۱۹ با ۲,۶ درصد رشد همراه شود. این میزان رشد از زمان بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، کمترین میزان رشد اقتصادی است که آن را می‌توان در ضعف کنونی تجارت مشاهده کرد. نتیجه آن، سرمایه‌گذاری پایین‌تر در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه است، که تلاش این دسته از کشورها برای رسیدن به اقتصادهای توسعه‌یافته را مختل کرده است. خطرات مربوط به بدهی در حال افزایش است. بر اساس آمارهای موسسه مالی بین‌المللی (IMF)، بدهی جهانی در سال ۲۰۱۸ به ۲۴۳,۲ هزار میلیارد دلار آمریکا، یعنی ۳۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی رسیده است. کند شدن اقتصادهای بزرگ تقاضا برای کالاهای فله را کم کرده و در نتیجه، آسیب‌پذیری‌های ناشی از بدهی جهانی به شدت افزایش یافته است.



جهان با چالش‌های امنیتی جدی و دشوار روبرو است. هرچه رقابت راهبردی {میان بازیگران} حادث می‌شود، وضعیت امنیتی منطقه نیز به صورت متشنج ادامه می‌یابد. امنیت جهانی و منطقه‌ای در پرتو اثرات مشترک تهدیدات سنتی و غیرسنتی مانند گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم، حملات سایبری، تغییرات آب و هوایی، تهدیدات زیستی (بیوه‌زارد)، جرایم سازمان‌یافته و بیماری‌های مسری روبرو است. ذهنیت محاصره در قالب جنگ سرد، محدودیت، رویارویی و تهدید، دوباره در حال پدیدار شدن است.

سلطه‌طلبی و سیاست قدرت رو به فزونی است. قانون بازی‌های جنگل و حاصل جمع صفر، خاک جدیدی برای رشد و نمو یافته و در آن پرورش می‌یابد. این چالش‌ها به‌طور جدی تضعیف نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌رود. برخی از کشورهای غربی در حکمرانی با مشکلات جدی روبرو هستند، عوام‌فریبی، گسترده شده و حملات به جهانی‌شدن شدت یافته است. با وجود رقابت تسلیحاتی، کنترل تسلیحات و خلع سلاح بین‌المللی دچار مشکلات جدی شده است. به توازن و ثبات راهبردی جهانی آسیب رسیده و تشدید برخی از مسائل و درگیری‌های منطقه‌ای، احتمال جنگ را افزایش داده است. پیشرفت چشمگیر فن‌آوری اطلاعات و هوش مصنوعی باعث ایجاد مشکلات اخلاقی می‌شود و تهدیدهای قابل توجهی برای شیوه زندگی و حتی وجود انسان به‌وجود می‌آورد.

این تغییرات عمیق، بشر را به سمت یک چهارراه سوق داده است. امید و اطمینان، کلید حل مشکلات و چالش‌ها هستند. روند جهانی به سمت صلح و توسعه علی‌رغم عدم قطعیت‌ها و بی‌ثباتی‌های فزاینده، بدون تغییر باقی خواهد ماند. با وجود تغییرات عظیم در چشم‌انداز بین‌المللی، روند جهانی به سوی چندقطبی‌شدن گرایش دارد و این مهم بدون تغییر ادامه می‌یابد. روند جهانی‌شدن اقتصادی نیز علی‌رغم محدودیت‌های تجارت آزاد و چندجانبه‌گرایی بدون تغییر باقی خواهد ماند. با وجود شدت و پیچیدگی روزافزون رقابت بر سر نظم بین‌المللی، اصلاح سیستم بین‌المللی مسیر خود را تغییر نخواهد داد. با استفاده بهینه از فرصت‌های تاریخی ارائه شده به‌واسطه تحول و همکاری با یکدیگر برای مقابله با بحران‌ها و چالش‌ها، بشریت می‌تواند پیشرفت مضاعفی در قرن حاضر کسب کند.

### ۲.۳. ساخت یک جامعه جهانی با آینده مشترک

چه اتفاقی برای جهان می‌افتد؟ بشریت چه کاری باید انجام دهد؟ در مواجهه با تغییرات بی‌سابقه جهانی و چالش‌های حکمرانی و توسعه، بشریت می‌بایست فوراً رویکردها و ترتیبات جدیدی را برای توسعه فراهم کرده، و یک نظم بین‌المللی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر ایجاد کند تا در پرتو آن، چشم‌اندازهای روشن‌تری برای آینده موضوعیت یابد. پیشنهاد چین، ایجاد جامعه جهانی با آینده مشترک با هدف حل مسائل عملی امروز جهان و تحقق توسعه صلح‌آمیز و پایدار بشریت است. این مهم فراتر از بازی با حاصل جمع صفر، به ایده ایجاد مسیر جدید توسعه مبتنی بر همکاری برد - برد، مشارکت مشترک و منافع متقابل، و ارائه یک گزینه بدیل به جامعه بین‌المللی است.

ساخت یک جامعه جهانی با آینده مشترک، پیشنهادی اصولی و کاملاً نظام‌مند است. این پیشنهاد به لحاظ سیاسی، از احترام و رایزنی متقابل بر پایه برابری حمایت می‌کند، با ذهنیت جنگ سرد و سیاست قدرت مخالفت می‌ورزد و رویکرد جدیدی را برای روابط دولت با دولت در نظر می‌گیرد؛ موضوعی که گفتگو را به جای تقابل ارائه می‌دهد و به جای «اتحاد» به دنبال «مشارکت» است. به لحاظ امنیتی، این پیشنهاد خواستار حل و فصل اختلافات از طریق گفتگو و حل مناقشات از طریق رایزنی، هماهنگی در پاسخ به تهدیدهای سنتی و غیرسنتی و همچنین مخالفت با تروریسم در همه اشکال آن است. در حوزه اقتصادی، این پیشنهاد





خواستار ایجاد روحیه مشارکت در آزادسازی و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، و حمایت از جهانی‌شدن اقتصادی، به نحوی فراگیر، متعادل و سودمند برای همه است. این پیشنهاد به تنوع فرهنگی نیز احترام می‌گذارد و با جایگزین کردن درگیری با یادگیری متقابل و احساس برتری با همزیستی، تنوع فرهنگی را محترم می‌شمارد. این پیشنهاد بر دوستی سازگار با محیط زیست، همکاری در مقابله با تغییرات آب و هوایی و حمایت از سیاره ما، بر این نکته که خانه برای تمام بشریت است تأکید دارد.

ایده ساخت جامعه جهانی با آینده مشترک از ماهیت فرهنگ سنتی چین و دستاوردهای جامعه بشری ناشی می‌شود و وابستگی متقابل بین همه کشورها و روابط نزدیک تمام بشریت را منعکس می‌کند. این ایده ارزش‌های مشترک چینی‌ها و سایر فرهنگ‌ها و تمام بشریت را نشان می‌دهد و بزرگترین زمینه مشترک برای ساخت یک دنیای بهتر است. اما ایجاد جامعه‌ای از آینده مشترک به معنای انطباق با ارزش‌های یکسان توسط همه کشورها یا اجرای طرح‌های پیشنهادی یک‌جانبه از سوی یک کشور یا اقلیت کوچکی از کشورها نیست؛ و همچنین به معنای تأسیس یک بازیگر واحد در سراسر جهان نیست؛ یا جایگزینی یک سیستم یا فرهنگ توسط سیستم دیگر را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه خواستار کشورهایی با نظام‌های اجتماعی مختلف، ایدئولوژی‌ها، تاریخ، فرهنگ‌ها و سطوح توسعه برای همسو کردن اهداف و علایق خود، از حقوق برابر، و سهمی شدن همه مسئولیت‌ها در فعالیتهای بین‌المللی برای پیشرفت بشریت به عنوان یک کل واحد است.

{لذا} مسیر رسیدن به جامعه جهانی با آینده مشترک دشوار و پر پیچ‌وخم است. با این حال، این روندی تاریخی و هدف تمدن بشری است که همواره عقب‌ماندگی را با پیشرفت، بدبختی را با کامیابی، و بربریت را با مدنیت جایگزین می‌کند. همه کشورها باید به این اجماع برسند که فراتر از قومیت، اعتقادات، فرهنگ و مکان، با هم در ایجاد جامعه‌ای از آینده مشترک تلاش کند و آرزوی همه مردم را برای زندگی بهتر تحقق بخشد.

### ۳,۳. ایجاد الگوی جدیدی از روابط بین‌الملل

صلح و همکاری به نفع همه کشورهاست در حالی که درگیری و تقابل به سود هیچ‌کس نیست. هماهنگی میان همه کشورها، صلح جهانی را به ارمغان می‌آورد؛ حال آنکه تقابل به بحران ختم می‌شود. تاریخ نشان می‌دهد که دستیابی به هژمونی، اتحاد و تقابل و سوء استفاده از قدرت در روابط بین‌الملل، همواره باعث ایجاد هرج و مرج یا حتی وقوع جنگ شده است. علاوه بر مسائل مربوط به توسعه، جهان در احاطه بحران‌های جدی بی‌اعتمادی و تهدید قوانین و نظم بین‌المللی قرار دارد. برخی از هنجارهای بین‌المللی و اصول اخلاقی که به‌طور گسترده به رسمیت شناخته شده و مراعات شده‌اند؛ اکنون رها شده و به آن‌ها خیانت شده است. برخی معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که ناظر به ثبات و رفاه جهانی هستند؛ نادیده گرفته می‌شوند، پاره می‌شوند یا آسیب می‌بینند. در پی بی‌اعتنایی به حقیقت بین‌الملل، برخی کشورها آشکارا حق حاکمیت کشورهای دیگر را با دخالت در امور داخلی آنها نقض می‌کنند و از ضعیف و کوچک بودن آنها سو استفاده می‌کنند.

در میان بی‌ثباتی بین‌المللی، همه کشورها باید موظف به رعایت قوانین و مقررات جهانی باشند، اعتماد را تقویت کرده و ضمن ساختن الگوی جدیدی از روابط بین‌الملل، نظم را حفظ کنند. ما باید رویکرد جدیدی را در مناسبات دولت با دولت در پیش بگیریم؛ رویکردی که به جای تقابل، گفتگو را نشان می‌دهد و به جای اتحاد به دنبال مشارکت است. دهکده جهانی ما باید به جای عرصه مشاجره و مناقشه، به مرحله‌ای برای توسعه مشترک تبدیل شود. یک مدل جدید از روابط بین‌الملل باید بر اساس اصول احترام متقابل، برابری و عدالت، و همکاری سودمند متقابل ساخته شود. احترام متقابل مبتنی بر برابری در میان تمام کشورها، بزرگ یا کوچک، قوی یا ضعیف، ثروتمند یا فقیر است. هر کشور باید به نظام‌های سیاسی سایر کشورها، حق



انتخاب مسیرهای توسعه خود و علایق و نگرانی‌های آنها احترام بگذارد. همه باید با سیاست قدرت، هژمونی و مداخله در امور داخلی کشورها مخالفت کنند.

در راستای حمایت از برابری و عدالت، ما باید از مادی‌گرایی صرف و رقابت بیش از حد چشم‌پوشی کنیم، و اطمینان حاصل کنیم که کشورهایی با منابع مختلف و متفاوت، سطح توسعه و دسترسی برابر به فرصت‌ها را تجربه کنند، تا در پی آن، شکاف توسعه نیز کاهش یابد. روابط دولت با دولت باید از خیر و سود بیشتر حمایت کرده و منافع مشترک را با اولویت دادن به توسعه مشترک دنبال کند، همکاری متقابل سودمندانه، به جای حداکثر رساندن منافع شخصی، نتایج برد-برد را دنبال می‌کند و این رویه منسوخ که «برنده همه چیز را از آن خود می‌کند» باید به حاشیه برود. کشورها باید ضمن پیگیری منافع خود، نگرانی‌های مشروع سایر کشورها را برطرف کنند، و ضمن پرداختن به منافع ملی خویش، توسعه مشترک را ترویج کنند و ضمن حفظ امنیت خود، به امنیت سایر کشورها احترام بگذارند. از این‌رو ما باید فشار را به انگیزه، بحران‌ها را به فرصت‌ها و درگیری‌ها را به همکاری تبدیل کنیم. کشورهای بزرگ، نیروی مهمی برای حفظ صلح و ثبات جهانی و بازیگران اصلی در ساخت یک مدل جدید از روابط بین‌الملل قلمداد می‌شوند. کشورهای بزرگ باید مسئولیت‌های خود را متناسب با جایگاهی که دارند انجام دهند.

وضعیت بین‌المللی یک کشور بیش از اینکه به اندازه قدرت آن کشور مربوط باشد؛ با ذهنیت باز، وسعت دید و حس مسئولیت‌پذیری آن سنجیده می‌شود. بازیگران بزرگ باید تلاش‌های اصلی خود را به سمت آینده بشریت سوق دهند و مسئولیت‌های بیشتری را برای صلح و توسعه جهانی به‌عهده بگیرند؛ نه این که از قدرت خود برای پیگیری هژمونی در امور بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده کنند. سیر تاریخ بشریت نشان می‌دهد که موفقیت راهبردهای کشورهای بزرگ، در پیروی و در نظر گرفتن شرایط زمانی بوده است؛ به‌نحوی که به‌طور گسترده توسط سایر کشورها و مردم به رسمیت شناخته شوند.

کشورها تنها از طریق همکاری مبتنی بر احترام و منافع متقابل می‌توانند پیشرفت بشری را حفظ کنند. برای ایجاد یک چارچوب پایدار و متعادل از روابط بین بازیگران اصلی، که زیربنای صلح و ثبات جهانی است، باید هماهنگی و همکاری میان کشورهای بزرگ تقویت شود. این کشورها باید به منافع و نگرانی‌های اصلی یکدیگر احترام بگذارند، درک متقابل عمیق‌تری ایجاد کنند و اختلافات و مناقشات را از طریق ارتباط سازنده و رایزنی حل‌وفصل نمایند. کشورهای بزرگ باید با کشورهای کوچک‌تر در سطحی برابر رفتار کنند؛ نه اینکه به عنوان یک هژمون، با تحمیل اراده خود بر دیگران عمل نمایند. هیچ کشوری نباید با شروع جنگ‌های نابجا و خودسرانه یا تضعیف قانون بین‌الملل، ویرانی و خرابی ایجاد کند. اختلافات و مشکلات باید از طریق گفتگو و رایزنی و در سطحی برابر، با حداکثر صداقت و صبوری حل شوند.

### ۴.۳. ترویج الگوی جدید جهانی‌شدن اقتصادی

جهانی‌شدن اقتصاد، نتیجه برگشت‌ناپذیر توسعه اقتصاد جهانی است. این یعنی، گذشت زمان همواره در پیوند با توسعه و همکاری قرار می‌گیرد. جهانی‌شدن اقتصاد، به‌طور جدی تجارت، سرمایه‌گذاری، جریان‌های مردمی، و پیشرفت‌های فن‌آورانه را تسهیل کرده، به همه مردم در تمامی کشورها سود رسانده و سهم مهمی در توسعه اقتصادی جهان داشته است. با این حال، این مساله چندین مشکل را ایجاد کرده و با برخی موانع مواجه شده است. مدل فعلی جهانی‌شدن اقتصادی نمی‌تواند همه صداهای منعکس کند یا منافع کشورهای در حال توسعه را نشان دهد. قانون جنگل و بازی با حاصل جمع صفر که از قاعده «برنده همه چیز را از آن خود می‌کند» پیروی می‌کند، و در پی آن، شکاف بین اغنیا و فقرا و همین‌طور کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه تشدید شده است. (کادر ۱۲ را ببینید).



## کادر ۱۲ - جهانی شدن اقتصادی یک شمشیر دو لبه است

جهانی شدن اقتصاد، توسعه اقتصادی جهان را ارتقا داده است. براساس داده‌های بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی جهانی با دلار فعلی آمریکا، از ۲,۹۶ هزار میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۷۴ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسیده است که رشد ۲۵ برابری را نشان می‌دهد. آمار سازمان تجارت جهانی هم نشان می‌دهد که تجارت جهانی از ۳۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۶ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسیده است که بیش از ۵۰ برابر رشد داشته است. مطابق آمار سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۰ جمعیت جهانی که در فقر شدید زندگی می‌کردند ۱,۹ میلیارد نفر بوده است که در سال ۲۰۱۵ به ۸۳۶ میلیون نفر کاهش یافته و از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل نیز در خصوص کاهش نرخ فقر شدید فراتر رفته است. همچنین باید خاطرنشان کرد که جهان با یک عدم تعادل اقتصادی رو به رشد مواجه است که مشخصه آن، شکاف فزاینده بین شمال و جنوب و میان غنی و فقیر است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه با فقر و مشکلات اجتماعی مهمی همچون گرسنگی، بیماری و درگیری مواجه هستند. بر اساس «گزارش ثروت جهانی ۲۰۱۶» از موسسه تحقیقات اعتباری سوئیس (CSRI)، ۳,۵ میلیارد بزرگسال در انتهای هرم جهانی ثروت، تنها دارای ۲,۴ درصد ثروت جهانی هستند، که کم‌تر از ۱۰۰۰۰ دلار سرانه می‌شود. گزارش MGI در سال ۲۰۱۶ هم نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد از خانوارها در ۲۵ اقتصاد پیشرفته - معادل بیش از ۵۰۰ میلیون نفر - یا درآمدی ثابت یا رو به کاهش را از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ تجربه کرده‌اند. از طرفی، بیش از ۷۰۰ میلیون نفر نیز در فقر مطلق باقی مانده‌اند و ضریب جینی از آستانه ۰,۶٪ نابرابری درآمد بالا به تقریباً ۰,۷ رسیده است.

برخی کشورها {مقصود دولت ترامپ} مشکلات حکمرانی داخلی خود را به جهانی شدن اقتصادی و یا سایر کشورها نسبت می‌دهند و لذا به اقدامات یک‌جانبه، سیاست حمایت‌گرایی و رویکردهای برتری‌جویانه متوسل شده‌اند. این رهیافت، به زنجیره‌های مصرف، تأمین و ارزش جهانی آسیب رسانده و باعث آشفتگی و درگیری در نظم فعلی تجارت بین‌المللی شده و اقتصاد جهانی را به سمت «تله رکود» سوق داده است. ما نباید از مشکلات جهانی شدن اقتصادی مرعوب شویم. عقب‌نشینی از سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی، جداسازی روابط تجاری خارجی و ساختن دیوارهای مرزی، ما را به جایی نمی‌رساند. مشکلات ما فقط با یک فرایند اصلاح و بهبود شرایط خود حل می‌شود. همه کشورها باید از تاریخ درس بگیرند، هماهنگی را تقویت کنند، سطح حکمرانی را ارتقاء داده و جهانی شدن اقتصادی را برای همه احاد جامعه بین‌المللی بازتر، فراگیرتر، متعادل و سودمندتر کنند. بنابراین، الگویی جدید از جهانی شدن اقتصاد باید توسعه یابد و توسط تمامی کشورها شکل بگیرد. این امر باید مبتنی بر قوانین و دستورالعمل‌هایی باشد که در عمل کارکرد آنها اثبات شده و موثر بوده‌اند. موضوعاتی همچون آزادسازی تجاری و تجارت چندجانبه است که، نوآوری‌ها و پیشرفت‌ها را ایجاد می‌کند. از این منظر، می‌بایست برتری‌طلبی، سیاست قدرت، قانون جنگل و بازی با حاصل جمع صفر کنار رود؛ از اصول رایزنی گسترده، مشارکت و منافع مشترک، حمایت به عمل آید و دموکراسی، برابری، انصاف و عدالت محقق شود. این {الگوی جدید} کمک می‌کند تا اقتصاد جهانی باز، ترویج صلح و ثبات جهانی، و نهایتاً توسعه و رونق مشترک شکل بگیرد.

چهارمین انقلاب فن‌آوری، تاثیر زیادی بر موج جدیدی از جهانی شدن اقتصادی و توسعه جامعه انسانی خواهد داشت و فرصت‌های بی‌نظیری را برای توسعه و همچنین چالش‌های جدی به ارمغان خواهد آورد. همه کشورها باید با هم متحد شوند و اقداماتی عاجل و فوری در ایجاد یک چارچوب جدید برای مدیریت جهانی با چشم‌انداز یک جامعه جهانی با آینده مشترک انجام



دهند. ما باید قوانین و استانداردهای مربوطه را ایجاد کنیم؛ {به نحوی که} نوآوری و توسعه فن‌آوری را تسهیل کنند؛ و با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به امنیت انسانی، منافع همه کشورها و خصوصاً کشورهای در حال توسعه برآورده گردد.

منصفانه نیست که استانداردها و قوانین امنیتی کشورهای توسعه‌یافته یا کشورهای منفرد را به سایر کشوره تسری داده و اعمال کنیم. احترام به حاکمیت هر کشور ضروری است. هیچ کشوری نباید به دنبال سلطه بر فن‌آوری باشد، در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کند، یا با فعالیت‌های مخرب در این قلمرو، امنیت کشورهای دیگر را تضعیف کند. همه کشورها باید گفت‌وگو و همکاری گسترده را بر اساس چند جانبه‌گرایی، احترام و اعتماد متقابل مطرح‌نظر قرار دهند، و سیستمی از قوانین فن‌آوری و چارچوبی برای همکاری‌های بین‌المللی ایجاد کنند که جامع‌الاطراف، در صلح، امنیت، دموکراسی و شفافیت متجلی شود، و منافع همه را تضمین کند. لازم است که همه کشورها از برابری اجتماعی و عدالت حمایت کنند، نوآوری‌های فن‌آورانه را تحت حاکمیت قانون و قواعد شناخته‌شده بین‌المللی اجرا کنند و {نسبت به این مهم} اطمینان حاصل کنند که نوآوری توسط مردم، برای مردم، و سازگار با ارزش‌های انسانی به پیش خواهد رفت.

### ۵.۳. تقویت نظام بین‌الملل با محوریت سازمان ملل متحد

نظم بین‌المللی که با اهداف و اصول منشور ملل متحد پشتیبانی می‌شود، منافع اکثر کشورها را مورد توجه قرار داده و {تاکنون} مروج صلح و توسعه جهانی بوده است. نقض قوانین بین‌المللی و هنجارهای اساسی روابط بین‌الملل در راستای منافع شخصی، جهان را به وضعیت پرمخاطره‌ای تبدیل خواهد کرد که با آشوب، رویارویی و درگیری مشخص می‌شود. هژمونی عدالت را به خطر می‌اندازد. جامعه بین‌المللی باید با عزمی راسخ با یکدیگر همکاری کنند تا روابط بین‌الملل دموکراتیک را توسعه دهند، از هنجارهای اخلاقی و قانونی حمایت کنند؛ {چرا که اینها} برای بقا و توسعه انسانی و حمایت از انصاف و عدالت بین‌المللی حیاتی هستند.

سازمان ملل در هسته اصلی سیستم مدیریت جهانی است. منشور ملل متحد سنگ بنای بنیادی برای حفظ ثبات در نظام بین‌المللی و تنظیم روابط میان کشورها است. جهان در بسیاری از اشکال مختلف، رویارویی و بی‌عدالتی را تجربه می‌کند، نه به این دلیل که اهداف و اصول منشور سازمان ملل منسوخ شده‌اند؛ بلکه به این دلیل که {این اصول و اهداف} به‌طور مؤثر تحقق نیافته‌اند. تأکید بر اقتدار و نقش سازمان ملل برای محافظت از منافع مشترک جامعه بین‌الملل و منافع مشروع کشورهای منفرد و شکل دادن به آینده‌ای روشن برای بشریت مهم و حیاتی است. بنابراین، همه کشورها باید از نظام بین‌الملل با محوریت سازمان ملل متحد، حقوق بین‌الملل و هنجارهای اساسی روابط بین‌الملل بر اساس اهداف و اصول منشور ملل متحد و نقش اصلی این سازمان در امور بین‌المللی حمایت کنند.

سیستم تجارت چندجانبه با محوریت سازمان تجارت جهانی، سنگ بنای تجارت بین‌المللی است. این نهاد نقش حیاتی در ترویج تجارت جهانی، ایجاد یک اقتصاد جهانی باز و بهبود رفاه مردم همه کشورها ایفا کرده است. سیاست‌های تجاری یک‌جانبه و حمایت‌گرایانه، که خلاف قواعد بازار، قوانین بین‌المللی و اصول اساسی سازمان تجارت جهانی است، به کوچک شدن تجارت جهانی می‌انجامد و حتی ممکن است بحران‌های اقتصادی جهانی را نیز در پی داشته باشد. همه کشورها باید در حمایت از چند جانبه‌گرایی متحد شوند؛ در حالی که، قاطعانه نیز با یک‌جانبه‌گرایی و سیاست حمایت‌گرایی مخالف هستند. لذا در ایجاد یک اقتصاد جهانی باز، ما باید از نقش محوری سازمان تجارت جهانی، اصول اولیه و نظام تجارت چندجانبه که با تجارت



آزاد، باز بودن و عدم تبعیض و حفاظت از حقوق قانونی و توسعه کشورهای عضو در حال توسعه مشخص می‌شوند، حمایت کنیم.

توافق‌نامه پاریس در مورد تغییرات آب و هوایی، کنوانسیون ایمنی هسته‌ای، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و سایر معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بر اساس اجماع همه طرفین و مطابق با منافع همه کشورها بنا شده است. همه امضاء کنندگان موظفند به جای نگاهی سلیقه‌ای و انتخابی، تعهدات خود را به‌طور تمام و کمال انجام دهند. خودداری و عقب‌نشینی از سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی، خلاف روح قرارداد و اخلاق بین‌المللی است. این قوانین باید با انصاف رعایت شده و متقابلاً الزام‌آور باشند، و نباید به‌واسطه «عملگرایی» و معیارهای دوگانه به خطر بیفتند.

### ۳،۶. ارتقاء تبادلات و یادگیری متقابل در میان تمدن‌ها

تمدن یک ویژگی اساسی جامعه انسانی است. تنوع {نیز} ویژگی اولیه تمدن بشری است. تبادلات و یادگیری متقابل، برای هزاران سال یک نیروی محرک اساسی برای پیشرفت تمدن در طول تاریخ بشریت بوده است. جهان از طریق ارتباط و ادغام در میان تمدن‌های مختلف، تبدیل به چیزی شده است که امروز شاهد آن هستیم. توسعه بیشتر بشری مستلزم تبادلات قوی‌تر و یادگیری متقابل میان فرهنگ‌های مختلف و درک عمیق متقابل میان کشورها و روابط نزدیک‌تر مردم با مردم است. پیشرفت فرهنگی هم به اندازه رشد اقتصادی و فن‌آوری در پرداختن به چالش‌های فزاینده - که ما با آن رو به رو هستیم - در جهت حرکت بشریت به سوی آینده‌ای بهتر مهم و تعیین‌کننده است.

تمدن بشری باید آزاد، فراگیر و براساس برابری و تنوع باشد. تمدن در تنوع رونق می‌گیرد و شکوفا می‌شود. هر تمدنی نمایانگر حافظه جمعی یک ملت یا یک دسته از مردم است. تمام تمدن‌ها در جهان، از جمله تمدن چین، ثمره توسعه انسانی هستند. همه تمدن‌ها برابر هستند. هیچ تمدنی در این سیاره کامل نبوده و این هم عاری از شایستگی نیست. هیچ تمدن واحدی نمی‌تواند برتر از دیگری مورد قضاوت قرار گیرد. تمدن بشری فراگیر است. به‌عنوان ثمره کار انسانی و خرد آنها، هر فرهنگی سزاوار احترام است و ارزش تقدیر دارد. تلاش برای قضاوت درباره برتری یک نژاد یا تمدن نسبت به دیگری، تبدیل و جایگزینی تمدن‌ها و بذرفاق بین تمدن‌ها، نتایجی پوچ و مصیبت‌بار به‌همراه دارد. این تلاش‌ها تنها سوءتفاهم بین تمدن‌ها را افزایش می‌دهد و جهان را به سمت واگرایی و رویارویی سوق می‌دهد.

تبادلات و یادگیری متقابل در میان تمدن‌ها باید تقویت شود. همه کشورها می‌بایست با یکدیگر با احترام و به صورت برابر رفتار کنند. هر کشور باید ضمن اجتناب از تکبر و تعصب، دانش خود از تفاوت بین تمدن خود و سایر تمدن‌ها را افزایش دهد، گفتگو بین فرهنگ‌های مختلف را ارتقاء دهد و در جهت همزیستی هماهنگ تلاش کند. هر کشوری باید برای تمدن خود ارزش قائل باشد، از دیگران قدردانی کرده، و توسعه آن‌ها را تسهیل کند. این امر به شکوفایی همه تمدن‌ها کمک خواهد کرد. همه تمدن‌ها باید باز و فراگیر بوده و با ترسیم نقاط قوت یکدیگر از طریق تبادل و یادگیری متقابل، توسعه مشترک را ارتقاء دهند. همه تمدن‌ها باید با زمان پیشرفت کنند و رشد خود را از طریق نوآوری حفظ کنند.

### فصل ۴. چین برای جهانی بهتر مشارکت می‌کند.

چین نمی‌تواند در انزوا و به دور از بقیه جهان پیشرفت کند و جهان هم به‌عنوان یک کل، نمی‌تواند صلح، توسعه، رفاه و ثبات را بدون چین حفظ کند. چین فقط زمانی نقش مثبتی خواهد داشت که جهان نقشی مثبت داشته باشد و بالعکس. چین همچنان به



توسعه خود در نظام مختصات توسعه انسانی ادامه می‌دهد؛ متوجه است که آینده آن ارتباط نزدیکی با سایر نقاط جهان دارد و منافع مردم چین با منافع مشترک مردم کشورهای دیگر ادغام شده است. چین همیشه بانی صلح جهانی، مشارکت‌کننده در توسعه جهانی و حافظ نظم جهانی بوده است که در آن، خرد و قدرت چین برای ایجاد یک جامعه جهانی از آینده مشترک و توسعه بهتر نقش ایفا می‌کند.

#### ۱,۴. ارتقاء صلح و توسعه جهانی از طریق توسعه خود ما

به‌عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه در جهان، ما کاملاً متعهدیم که با ادغام منابع، مسیر خود را دنبال کنیم و امور خود را به نحو مطلوب مدیریت کنیم. اینگونه است که می‌توانیم کشور خود را مرفه‌تر و مردم را شادتر جلوه داده و ثبات و قطعیت را به دنیای پیچیده و بی‌ثبات تزریق کنیم. این خود بزرگترین سهم ما در زمینه صلح و توسعه جهانی است.

چین با هدایت «اندیشه و تفکر شی جین‌پینگ» در مورد سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای عصر جدید، به پیشبرد مسیر سوسیالیستی خود ادامه خواهد داد. در این راستا، ما خود را به یک رویکرد مردم‌محور متعهد کرده‌ایم و اولویت اصلی توسعه را مطمح‌نظر داریم. ما یک برنامه یکپارچه پنج‌جانبه را برای پیشبرد توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی، و یک راهبرد جامع چهاروجهی را برای تکمیل یک جامعه نسبتاً مرفه در همه جنبه‌ها، اصلاح بیشتر، پیشبرد حاکمیت قانون و تقویت نظم حزب اجرا کرده‌ایم. ما باید تلاش کنیم چین را به یک کشور سوسیالیستی قوی و مدرن تبدیل کنیم و به سمت جوان‌سازی ملی گام برداریم.

چین توسعه اقتصادی را در قانون جوان‌سازی ملی خود قرار داده، توسعه با کیفیت را ترویج می‌کند و با ثبات در هدف‌گذاری، چشم‌انداز جدید پیشرفت‌های نوآورانه، هماهنگی، سبز، باز و فراگیر را پیگیری خواهد کرد. ما نوسازی اقتصاد خود را تسریع خواهیم کرد تا نیازهای رو به رشد مردم برای زندگی بهتر برآورده شود. اصلاحات جامع در نظام اقتصادی، گسترش خواهد یافت تا اطمینان حاصل شود که بازار نقش تعیین‌کننده‌ای در تخصیص منابع ایفا می‌کند و دولت عملکرد خود را بهتر انجام می‌دهد. ما اصلاحات ساختاری را در چارچوب «اقتصاد نمادشی/عرضه‌ای»<sup>۴</sup> به پیش خواهیم برد تا انگیزه درون‌زا برای توسعه اقتصادی سالم و پایدار فراهم گردد.

ما به اجرای راهبرد توسعه مبتنی بر نوآوری، درک فرصت‌های جدید و ارایه‌شده به‌واسطه توسعه دیجیتال، شبکه‌ای و هوشمند، افزایش حمایت از حقوق مالکیت معنوی، گسترش توانایی و قدرت در نوآوری و ایجاد محرک‌های جدید رشد ادامه خواهیم داد. چین علم و فن‌آوری را برای بهره‌مندی بیشتر مردم و پیشرفت همکاری بین‌المللی گسترش خواهد داد تا سایر کشورها بتوانند دستاوردهای علمی و فناوری خود را به اشتراک بگذارند و از طریق نوآوری فن‌آوری، مزایای بیشتری را برای مردم در سراسر جهان به ارمغان آورند.

جستجوی زندگی بهتر برای مردم چین همیشه هدف اصلی چین بوده است. ما تلاش‌ها برای تأمین امنیت و بهبود استانداردهای زندگی را افزایش خواهیم داد و برای همه مردم، این امکان را مهیا می‌کنیم که از ثمره اصلاحات و توسعه، منصفانه‌تر و کامل‌تر بهره‌مند شوند. ما کاهش فقر و رفع هدفمند آن را تقویت خواهیم کرد تا تضمین کنیم که فقر مطلق به‌طور اساسی تا پایان سال ۲۰۲۰ از بین می‌رود. مردم باید بتوانند از ثمرات رشد اقتصادی بهتر بهره‌مند شوند و سهم جدیدی در

۴. اقتصاد نمادشی یا جانب عرضه (Supply-side) یعنی افزایش پول در گردش از راه کاستن مالیات‌ها و غیره موجب افزایش تولید و فعالیت اقتصادی می‌شود. به‌عبارتی، استدلال بر این است که رشد اقتصادی را می‌توان به‌طور مؤثر با کاستن از موانع مردم برای تولید (عرضه) کالاها و خدمات و نیز سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ایجاد کرد. (مترجم)



کاهش فقر جهانی داشته باشند. چین فعالانه از برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار پیروی می‌کند، در تعهد خود به ترویج توسعه سبز ثابت‌قدم باقی می‌ماند و کاربرد مدل‌های رشد سازگار با محیط زیست و شیوه‌های زندگی را سرعت می‌بخشد. این کشور همچنین در پاسخ به تغییرات آب و هوایی، پیشرفت‌های سبز، کم کربن، توسعه مدور و پایدار در سراسر جهان، نقش مهمی در همکاری‌های بین‌المللی ایفا می‌کند و تلاش دارد تا از میهن مشترک بشریت محافظت کند.

ارتش چین مدافع سرسخت صلح جهانی است. در عصر جدید، چین به دنبال یک سیاست دفاعی است که ماهیتی تدافعی دارد و متعهد به ساختن یک ارتش قوی با ویژگی‌های چینی، و دفاع ملی مستحکم و نیروهای مسلحی است که متناسب با وضعیت بین‌المللی چین، مطابق با امنیت ملی و منافع توسعه باشد. ارتش چین به مفهوم جامعه جهانی با آینده مشترک وفادار و نسبت به تحقق آن پایبند است، به‌طور فعال مسئولیت‌های بین‌المللی نیروهای مسلح یک کشور بزرگ را انجام می‌دهد و همکاری‌های نظامی بین‌المللی را در عصر جدید به پیش می‌برد. بنابراین، ارتش چین به عنوان یک حافظ راهبردی برای صلح و توسعه جهانی عمل می‌کند و به ایجاد دنیایی بهتر، از صلح پایدار و امنیت مشترک حمایت می‌کند.

#### ۲,۴. تعقیب همکاری سودمند دوجانبه و توسعه مشترک

تنها از طریق همکاری‌های متقابل و توسعه مشترک می‌توانیم دستاوردهای مهم و پایداری داشته باشیم که برای همه سودمند باشد. برخی کشورها ثروتمندتر و برخی دیگر فقیرتر می‌شوند و همین امر حفظ صلح و رفاه پایدار در سراسر جهان را غیرممکن می‌کند. مردم چینی ما به زندگی بهتر نه تنها برای خود، بلکه برای مردم سایر نقاط جهان امید دارند. چین همکاری‌های متقابل با سایر کشورها را برای ترویج تبادلات و یادگیری متقابل تقویت، شکاف توسعه را کم، و مسیری را که به پیشرفت عادلانه، باز، جامع، مبتکرانه و مشترک منتهی می‌شود، فراهم می‌کند.

به دنبال توسعه خلاقانه، رشد به هم پیوسته و منافع همگرا. چین به دنبال ایجاد منابع جدید رشد اقتصادی و پرورش محرک‌های جدید رشد از طریق تبادلات و همکاری‌های بین‌المللی است. ما همچنین هماهنگی‌های لازم در چارچوب سیاست‌های کلان و اتصال به برنامه‌های توسعه با دیگر کشورها را تقویت خواهیم کرد، نقاط قوت یکدیگر را ترسیم، آثار سرریز مثبت را افزایش داده و اثرات منفی خارجی را کاهش می‌دهیم. ما سیاست باز اقتصادی و همکاری را به شیوه‌ای فراگیرتر پیش خواهیم برد، هم منافع جاری و هم بلندمدت را دنبال می‌کنیم و ضمن پیگیری منافع خود، منافع سایر کشورها را نیز در نظر می‌گیریم، یک را بزرگتر در نظر خواهیم گرفت و آن را به صورت عادلانه به اشتراک می‌گذاریم تا انصاف و عدالت تضمین شوند. چین به بهبود توازن اقتصاد جهانی کمک خواهد کرد و اطمینان می‌دهد که سود بیشتری متوجه منافع مردم شود. ما از مردم کشورهای دیگر در قطار سریع‌السیر توسعه چین استقبال می‌کنیم و برای کمک به بازارهای نوظهور در راستای ادغام بهتر در زنجیره‌های ارزش، عرضه، و صنایع جهانی از هیچ کوشش دریغ نمی‌ورزیم. از همین رو چین مزایای جهانی شدن اقتصادی را به اشتراک می‌گذارد.

ترویج توسعه با کیفیت در امتداد کمربند و راه. ابتکار کمربند و راه بستری برای ایجاد جامعه جهانی با آینده مشترک فراهم خواهد نمود و به عنوان یک «قایق» و «پل» برای ارتقاء صلح و توسعه جهانی عمل می‌کند. چین با همه طرف‌های ذیربط برای پیگیری اصول رایزنی و گفتگوی گسترده، مشارکت و منافع مشترک، و همچنین حمایت از سیاست توسعه آزاد و سبز و دولت پاک، به نیروهای مشترک خواهد پیوست.



ما استانداردهای بالا، پایداری و زندگی بهتر را برای مردم دنبال خواهیم کرد. ما در ترویج توسعه با کیفیت بالا در امتداد کمربند و راه، به‌طور مشترک این ابتکار را به یک راه باز، سبز و مبتکرانه برای صلح، رونق و تبادلات فرهنگی تبدیل خواهیم کرد. ما قصد داریم فرصت‌هایی برای همه کشورها ایجاد کنیم و افراد بیشتری را قادر سازیم تا از زندگی بهتر لذت ببرند. این کمربند و راه، صرفاً ابتکاری برای همکاری‌های اقتصادی، و نه برای اتحاد ژئوپلیتیکی یا نظامی است. این یک فرآیند باز و فراگیر است که هیچ یک از طرفین را هدف قرار نمی‌دهد و هیچ کشوری را هم مستثنی نمی‌کند. هدف این ابتکار به جای تشکیل بلوک‌های مطرود، کمک به چین و سایر نقاط جهان است که به‌طور مشترک فرصت‌ها را در اختیار گیرند و توسعه مشترک را دنبال کنند. هدف از آن اجتناب از تعیین حدود ایدئولوژیک، بازی‌های حاصل جمع صفر یا بازی «تله‌ها» است. ما از هر کشوری که مایل به مشارکت باشد استقبال می‌کنیم.

پیشبرد کاهش فقر جهانی. رفع فقر بزرگ‌ترین چالشی است که امروزه جهان با آن مواجه است. برای درک هدف ملل متحد در زمینه پایان دادن به فقر مطلق تا سال ۲۰۳۰، تلاش‌های هماهنگ همه کشورها در این خصوص بسیار مهم و حیاتی است. چین طرفدار و حامی افزایش کمک‌های کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه است و در این راستا، انگیزه درونی توسعه را افزایش می‌دهد تا روند کاهش فقر جهانی را تسریع نماید. ما به‌طور فعال، برنامه ۲۰۳۰ ملل متحد برای توسعه پایدار را اجرا می‌کنیم، همکاری‌های بین‌المللی را در زمینه کاهش فقر تقویت کرده، از سازمان ملل و بانک جهانی در ادامه نقش مهم آنها در کاهش فقر جهانی حمایت به‌عمل می‌آوریم و به ترویج و ارتقاء یک الگوی متقابل از تبادلات بین‌المللی و همکاری در زمینه کاهش فقر همت می‌گذاریم.

چین در مورد مشکلات کشورهای فقرزده نگرانی‌های جدی دارد و درصدد است به افرادی که در گرسنگی و فقر زندگی می‌کنند کمک کند. این کشور می‌کوشد در چارچوب ارائه کمک‌های خارجی و کاهش میزان بدهی و همچنین افزایش واردات و سرمایه‌گذاری، ظرفیت کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته را برای توسعه افزایش دهد. ما همچنان به کمک خرد و قدرت خویش، مسائل مهم جهانی از جمله کاهش فقر، کنترل و پیشگیری از بیماری و کمک به کاهش مصائب و مشکلات پناهندگان را مورد توجه قرار داده‌ایم و بستری را فراهم کرده‌ایم تا نور خورشید (ناشی از توسعه چین)، سایه فقر و عقب‌ماندگی را برطرف کند و آینده‌ای از سعادت و شکوفایی مشترک را به تصویر بکشد.

### ۳,۴. حمایت و پیشبرد جهانی شدن اقتصادی

چین یکی از شرکت‌کنندگان فعال در روند جهانی شدن اقتصاد است. ما آماده‌ایم تا به جامعه بین‌المللی در اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و تقویت راهنمایی برای ایجاد فرآیند جهانی شدن اقتصادی، به شکلی پویاتر، جامع‌تر و پایدارتر ملحق شویم. به‌همین منظور، چین راهبرد بازگشایی فعال را دنبال خواهد کرد، کار برای ایجاد یک ساختار باز، متنوع و عمیق‌تر را در دستور کار قرار می‌دهد و به پیشرفت سودمند متقابل به شیوه‌ای وسیع‌تر، و همچنین تقویت و ترویج جهانی شدن اقتصادی از طریق اقدامات واقعی کمک می‌کند.

مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی و حمایت‌گرایی. چین به‌طور کامل متعهد به یک سیستم تجاری چندجانبه با محوریت سازمان تجارت جهانی است. چین در پرتو قوانین و مقررات این سازمان، مشتاق گسترش همکاری با کشورهای دیگر، گفتگو و رایزنی براساس برابری، منفعت و حسن‌نیت متقابل، حفظ مشترک ثبات و همچنین توسعه اقتصاد و تجارت جهانی است. تهدیدات جنگ تجاری و افزایش تعرفه‌های مستمر هرگز به حل مسائل اقتصادی و تجاری کمک نخواهد کرد. چین یک اقتصاد بالغ با





یک سیستم صنعتی کامل و زنجیره صنعتی، بازارهای بزرگ و فعال برای توسعه است. ما هرگز با یک جنگ تجاری در مسیر شکست یا تضعیف قرار نمی‌گیریم. چین از مواجهه با چالش‌های پیش رو، تبدیل ریسک‌ها به فرصت‌ها و باز کردن فصل‌های جدید اطمینان دارد.

گشایش وسیع‌تر به دنیای بیرون. سیاست درهای باز، کلید رشد اقتصادی چین طی سال‌های گذشته بوده است. در همین راستا، رشد بیشتر در آینده تنها می‌تواند با سیاست گشایش بیشتر درهای اقتصاد حاصل شود. ما راه خود را در این مسیر آغاز نمودیم و به اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌های باز اقتصادی ادامه خواهیم داد. سپس با کم‌تر کردن تعرفه‌های موجود، یک لیست منفی کوتاه‌تر، دسترسی آسان‌تر به بازار، قوانین شفاف‌تر بازار و یک محیط تجاری جذاب‌تر، و نهایتاً یک اقتصاد باز با کیفیت بالاتر ایجاد می‌کنیم، و در پی آن، فرصت‌های بیشتری برای رشد، تحول و نوآوری در جهان ایجاد خواهد شد.

ما از دوستان خارجی بیشتر برای تحصیل، کار و سفر در چین استقبال می‌کنیم. چین انرژی بیشتری را صرف «جهانی شدن» خواهد نمود؛ تشویق شرکت‌های چینی و نهادها به سرمایه‌گذاری در خارج از چین؛ تقویت مبادلات اقتصادی و همکاری فرهنگی، و ایجاد بسترهای جدید برای همکاری‌های سودمند متقابل از جمله مواردی است که چین متعهد به انجام آنهاست. چین همچنان به تلاش برای تضمین موفقیت مجمع کمر بند و راه برای همکاری‌های بین‌المللی ادامه خواهد داد و همه کوشش خود را برای توسعه نمایشگاه بین‌المللی واردات چین، تقویت تقاضا و محرک‌های رشد اقتصاد جهانی به کار می‌بندد.

تحرك سریع‌تر برای پیشبرد ادغام اقتصادی منطقه‌ای. چین اجرای راهبرد منطقه آزاد تجاری خود را تسریع می‌بخشد، و یک شبکه با استاندارد بالا از مناطق آزاد تجاری ایجاد می‌کند که بر کشورهای همسایه و مناطق تمرکز دارد و از طریق ابتکار کمر بند و راه آثار آن به سراسر جهان منعکس می‌شود. ما همچنان به تضمین توافق‌نامه مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP)، توافق‌نامه تجارت آزاد چین-ژاپن-کره<sup>۵</sup> و معاهده سرمایه‌گذاری چین - اتحادیه ادامه می‌دهیم. چین در منطقه آزاد تجاری آسیا - اقیانوسیه و جامعه اقتصادی شرق آسیا فعالیت خواهد کرد، از توسعه منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا، پیشبرد یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و ترویج آزادسازی و تسهیل تجارت و همین‌طور سرمایه‌گذاری و تقویت انگیزه جهانی‌شدن اقتصادی حمایت می‌کند.

تداوم بین‌المللی‌سازی رنمینی. چین بین‌المللی‌سازی گزینه‌های تسویه پولی برای تجارت جهانی را افزایش داده و تنوع در سیستم مالی بین‌المللی را مطمح نظر قرار داده است. هدف این است که به جای تغییر نظام مالی کنونی، آن را تکمیل و بهبود ببخشیم. این یک فرآیند بازار-محور و بر اساس اصل احترام به تقاضای بازار و خدمت به اقتصاد واقعی است. چین اصلاحات مبتنی بر بازار نرخ مبادله ارز و افتتاح حساب‌های سرمایه داخلی و حساب‌های مالی را به شیوه‌ای معقول و منظم ادامه خواهد داد، چین به بین‌المللی‌سازی رنمینی، بالا بردن استانداردهای مالی، و بین‌المللی‌سازی بخش مالی خود ادامه خواهد داد و در نتیجه همگرایی منافع را با سایر کشورها افزایش خواهد داد تا به ثبات مالی بین‌المللی کمک نماید.

#### ۴,۴. توسعه مشارکت‌های جهانی

چین اولویت را به گسترش مشارکت می‌دهد. کسانی که آرمان‌های یکسانی را گرامی می‌دارند و مسیر یکسانی را دنبال می‌کنند، می‌توانند شریک چین باشند و همین‌طور کسانی که در عین تفاوت‌ها به دنبال میدان مشترک هستند. چین این روحیه را به پیش خواهد برد و متعهد به رویکردی جدید در مناسبات دولت با دولت بوده که به جای تقابل بر گفتگو، و به



جای ائتلاف بر مشارکت متمرکز است. چین با هدایت اصل حفظ منافع متقابل و پیگیری منافع مشترک، تقارب منافع را با سایر کشورها گسترش خواهد داد، ارزش بیشتری به مشارکت‌ها می‌بخشد و دایره دوستان خود را در سراسر جهان گسترش می‌دهد.

روابط چین - ایالات متحده یکی از مهم‌ترین روابط دوجانبه در جهان است. چین بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه جهان است و ایالات متحده بزرگ‌ترین کشور توسعه‌یافته جهان به‌شمار می‌رود. همکاری تنها انتخاب صحیح برای دو کشور است و یک رابطه سودمند متقابل تنها راه رسیدن به آینده‌ای بهتر خواهد بود. ایالات متحده باید نگاهی موسع و منطقی به روابط دوجانبه ما داشته باشد. چین نه قصد دارد که ایالات متحده را به چالش بکشد، و نه می‌خواهد جایگزین آن شود. در عین حال، ایالات متحده نیز نمی‌تواند دست چین را ببندد، و حتی احتمال ندارد که بتواند توسعه چین را متوقف کند. ایالات متحده نمی‌تواند قدرت خود را با تلاش برای مهار و سرکوب سایر کشورها یا انتقال فشارهای داخلی خود به خارج حفظ کند.

ایالات متحده باید ذهنیت جنگ سرد را رها کند و درک درستی از خود، چین و جهان داشته باشد. این کشور باید با توسعه و شکوفایی سایر کشورها سازگار شود و در هماهنگی با بقیه جهان زندگی کند. این اصلی است که کشورهای بزرگ باید همیشه از آن پیروی کنند. «تله توسیدید» یک قانون ناگسستگی و گریزناپذیر نیست؛ با این حال، هرگونه اشتباه جدی راهبردی بین کشورهای بزرگ منجر به بروز درگیری و رویارویی با یک پیشگویی خود تحقق‌بخش<sup>۶</sup> می‌شود. برای رفاه دو کشور و دیگر کشورهای جهان، چین آماده است با ایالات متحده همکاری کند تا مسئولیت‌های مشترک خود را به عنوان کشوری بزرگ توسعه دهد، همکاری را بر اساس منافع متقابل گسترش داده، اختلافات را براساس احترام متقابل مدیریت کند، و به‌طور مشترک روابط چین و آمریکا را با تمرکز بر هماهنگی، همکاری و ثبات ارتقا دهد.

چین و روسیه در هفت دهه گذشته به عنوان بزرگ‌ترین همسایگان یکدیگر دست به دست هم داده‌اند. آن‌ها در مقابل آزمون تغییرات جهان ایستادگی کرده‌اند و یک نمونه خوب را در پرورش مدل جدید روابط بین‌الملل تنظیم کرده‌اند. مشارکت جامع راهبردی ما در زمینه هماهنگی بالغ، پایدار و محکم است و از بالاترین سطح اعتماد متقابل و هماهنگی و بالاترین ارزش راهبردی برخوردار است. ارتقاء روابط چین - روسیه به سطح مشارکت جامع راهبردی در راستای هماهنگی برای یک دوره جدید، از آینده‌ای روشن برای روابط دوجانبه ما حکایت دارد. چین همواره در دستور کار دیپلماتیک خود، روابط با روسیه در اولویت قرار داده است.

چین با روسیه همکاری خواهد کرد تا دوستی عمیق‌تر میان دو کشور ما ایجاد و تقویت شود، از یکدیگر در مورد مسائل اصلی و نگرانی‌های مشترک پشتیبانی کند، ارتباط بین راهبردهای توسعه را افزایش دهد، و روابط دوجانبه ما را به سطوح بالاتر، حوزه‌های گسترده‌تر و سطوح عمیق‌تر سوق دهد. همکاری نزدیک میان چین و روسیه به صلح، امنیت و ثبات جهانی کمک می‌کند.

اروپا امروز یک رکن مهم در جهان است و همچنین یک شریک جامع راهبردی برای چین به حساب می‌آید. ما برای ترویج همکاری برای صلح، رشد، اصلاحات و تمدن، ارتباط دادن نقاط قوت، بازارها و تمدن‌ها، و همچنین افزایش نفوذ جهانی مشارکت جامع راهبردی چین - اروپا، تلاش می‌کنیم. چین به حمایت از یکپارچگی اروپا و نقش مهم‌تر آن در امور بین‌الملل

۶ پیش‌گویی محقق‌کننده (Self-fulfilling prophecy) یا پیش‌گویی خودانجام، آن‌گونه از پیش‌بینی را می‌گویند که بعد از آنکه اعلام یا صادر می‌شود خودش شرایطی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود همان پیش‌گویی به حقیقت بپیوندد. مثال تاریخی: در سال ۱۹۲۹ در ایالات متحده آمریکا بحران مالی پیش آمد و شایع شد که بانک‌ها ورشکست خواهند شد. به همین دلیل مردم به بانکها هجوم بردند و پول‌های خود را بیرون کشیدند. همین موضوع باعث ورشکستگی بانکها شد. (مترجم)



برای یک اتحادیه اروپای محکم‌تر و قوی‌تر ادامه خواهد داد، دو طرف، همکاری را در آینده گسترش خواهند داد و تلاش‌های مشترکی را برای حمایت از چندجانبه‌گرایی و ترویج ثبات در سراسر جهان به کار خواهند بست.

چین کشورهای همسایه خود را به عنوان زیربنای توسعه و شکوفایی خود در نظر می‌گیرد. این امر به «دیپلماسی مجاورت/همسایگی» در روابط خارجی اولویت بالایی می‌دهد و به ترویج صلح، ثبات و توسعه منطقه‌ای به عنوان تنها وظیفه مقید است. با توجه به سیاست ایجاد دوستی و مشارکت با همسایگان، ما بر اساس اصول دوستی و حسن‌نیت، منافع مشترک و فراگیر، به افزایش اعتماد و کمک متقابل، ارتقاء سطح ارتباطات، افزایش همکاری‌های دوجانبه بیشتر، و تضمین صلح و آرامش، به ترتیبی که توسعه چین و همسایگانش به جامعه‌ای از آینده مشترک منجر شود، ادامه خواهیم داد. چین به رهبری همکاری‌های منطقه‌ای و حمایت از صلح و توسعه منطقه‌ای ادامه خواهد داد.

چین و سایر کشورهای در حال توسعه، مشترک آرزوی صلح و توسعه را دارند. چین با هدایت اصل حمایت از منافع بیشتر و دنبال کردن منافع مشترک، همبستگی و همکاری با سایر کشورهای در حال توسعه را با روحیه اخلاص، وابستگی و حسن نیت تقویت می‌کند. ما به یک جامعه نزدیکتر از آینده مشترک بین چین و آفریقا مشارکت خواهیم کرد، همچنین یک همکاری مشترک بین چین و کشورهای آمریکای لاتین که با برابری، منافع متقابل و توسعه مشترک مشخص می‌شود، تقویت یک همکاری استراتژیک آینده‌گرا از همکاری‌های جامع و توسعه مشترک بین چین و کشورهای عربی و محرک‌های جدیدی برای همکاری جنوب و جنوب ایجاد می‌کنند و به مردم همه کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند تا زندگی بهتری داشته باشند.

چین و دیگر کشورهای در حال توسعه، آرزوی مشابهی را برای صلح و توسعه به اشتراک می‌گذارند. چین با نصب‌العین قرار دادن اصل حمایت از منافع متقابل و پیگیری منافع مشترک، اتحاد و همکاری با کشورهای در حال توسعه را با روحیه اخلاص و در پرتو حسن‌نیت ادامه می‌دهد، و به جامعه‌ای نزدیکتر از آینده مشترک بین چین و آفریقا، مشارکت بیشتر و برابر میان چین و کشورهای آمریکای لاتین، و تقویت محرک‌های جدید همکاری جامع و مشترک بین چین و کشورهای عربی پایبند خواهد بود. در نهایت، چین با ادامه همکاری جنوب - جنوب، کمک به مردم کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به یک زندگی بهتر را مورد توجه قرار می‌دهد.

## ۵.۴. حمایت از چندجانبه‌گرایی و تقویت انصاف و عدالت بین‌المللی

انصاف و عدالت اهداف ابدی جامعه انسانی و هدف نهایی ساخت یک جامعه جهانی با آینده مشترک هستند. در دنیای امروز، این دو مقوله همچنان رویاهای دوردست باقی مانده‌اند. آینده جهان باید توسط مردم همه کشورهای تصمیم‌گیری شود و امور بین‌المللی باید توسط تمامی کشورهای از طریق گفتگو و رایزنی مدیریت شود. چین همچنان متعهد به چندجانبه‌گرایی، حفظ برابری بین‌المللی و عدالت، و کار با کشورهای دیگر برای ترویج دموکراسی، حاکمیت قانون و توازن مناسب در روابط بین‌الملل خواهد بود.



حمایت از چند جانبه‌گرایی آرمان مشترک جامعه بین‌المللی است. در دنیای امروز، همه کشورها منافع همگرا و خوشی و ناخوشی مشترک دارند. همین امر، گرایش جهانی را به سمت چندقطبی‌شدن و روابط بین‌المللی دموکراتیک سوق می‌دهد که نمی‌توان در مقابل آن مقاومت کرد. روزهایی که قدرت و زور حرف آخر را می‌زد گذشته است. چین به عنوان عضو بنیانگذار ملل متحد، عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و بزرگترین کشور در حال توسعه، همچنان از نظام بین‌الملل با محوریت سازمان ملل در رأس آن و نظم بین‌المللی که از اهداف و اصول ملل متحد است پشتیبانی می‌کند. در این راستا، چین برای حمایت از چندجانبه‌گرایی و مقابله با یکجانبه‌گرایی به سایر کشورها می‌پیوندد. چین مدافع این مهم است که هر زمان تفاوت‌ها و اختلافات بین کشورها بروز می‌کند، همه طرف‌ها باید از طریق چارچوب‌های چندجانبه و مذاکره، ضمن حفظ تفاوت‌ها، به دنبال زمینه‌های مشترک برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات باشند.

ما با تهدید محاسبه‌شده یا استفاده از زور مخالفیم. چین به نظام تجارت چندجانبه با سازمان تجارت جهانی متعهد است و با رفتار یکجانبه مانند احداث دیوار بین ملت‌ها، تضعیف دیگران، یا عقب‌نشینی به سمت انزوا مخالفت خواهد کرد. ما از سازمان بهداشت جهانی (WHO)، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) در راستای ایفای نقش بهتر در چارچوب حکمرانی جهانی پشتیبانی می‌کنیم.

حمایت از عدالت و برابری، اصل اساسی چین در برخورد با مسائل بین‌المللی است. ما به حق همه مردم در تمامی کشورها احترام می‌گذاریم تا راه‌های توسعه و نظام‌های اجتماعی خود را انتخاب کنند؛ برای حاکمیت مستقل و تمامیت ارضی همه کشورها احترام قائلیم و با دخالت در امور داخلی دیگران مخالفت می‌ورزیم. چین هرگز اراده خود را به کشورهای دیگر تحمیل نخواهد کرد، و به دیگران هم اجازه نخواهد داد که اراده خود را به مردم چین تحمیل کنند. ما هرگز در امور داخلی دیگران دخالت نخواهیم کرد، و اجازه نخواهیم داد که کشور یا نیرویی در امور ما دخالت کند. چین برای برابری در کنار تمام کشورها اعم از بزرگ یا کوچک، قوی یا ضعیف، ثروتمند یا فقیر ایستاده است و با قانون جنگل که ضعفا را در اختیار نیروی قوی می‌گذارند، مخالف است.

ما قاطعانه تفکر برتری‌طلبی (هژمونیک) و سیاست قدرت را رد می‌کنیم و تلاش را بر این پایه قرار داده‌ایم تا نمایندگی و صدای کشورهای در حال توسعه را در امور بین‌الملل افزایش دهیم. {در این راستا} چین مسئولیت‌های بین‌المللی بیشتری را به عهده خواهد گرفت، با سایر کشورها در چارچوب حفاظت از وجدان انسانی و حقیقت بین‌المللی و همچنین حمایت از برابری و عدالت در امور منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری خواهیم کرد. ما همچنان به حمایت و اجرای اصول خود در رابطه با مسائل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای ادامه خواهیم داد:

- هیچ کشوری نباید در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کند یا اراده خود را بر دیگران تحمیل کند؛
  - {در مسائل مختلف} کشورهای درگیر باید به شیوه‌ای بی‌طرفانه و عینی عمل کنند و از دنبال کردن علایق و منافع خودخواهانه بپرهیزند؛
  - به جای استفاده از زور در پرداختن به مناقشه‌ها و اختلافات، می‌بایست راه‌حل‌های سیاسی مد نظر باشد.
- چین بر این باور است که قضاوت منصفانه در هر موضوعی باید بر اساس شایستگی خودش انجام شود. ما گفتگوهای صلح را ترویج می‌کنیم، ثبات را حفظ خواهیم کرد، از هرج و مرج و بی‌نظمی جلوگیری می‌کنیم، هیچ جانبداری از خود به



شان نمی‌گذاریم، به دنبال دستاوردهای خودخواهانه نیستیم و نقشی سازنده در تضمین صلح منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا خواهیم کرد.

#### ۴,۶. اصلاح و توسعه نظام حکمرانی جهانی

آرزوی مشترک همه کشورها این است که در سراسر جهان شاهد منصفانه و عادلانه بودن حکمرانی جهانی باشند و اصول رایزنی و مذاکره گسترده، مشارکت متقابل و منافع مشترک را برآورده کنند. به عنوان یک کشور بزرگ و مسئول، چین با در نظر گرفتن خواسته‌های خود در جهان و انتظارات جامعه بین‌المللی از چین، همچنان حقوق خود را در توازن با تعهدات موجود تنظیم و به این روند ادامه خواهد داد. ما نقش فعالی در اصلاح و توسعه نظام حکمرانی جهانی خواهیم داشت. چین به عنوان شرکت‌کننده، بانی و کمک‌کننده به نظام بین‌الملل، امیدوار است که به جای اختراع دوباره چرخ، با نوآوری و پیشرفت به این نظام کمک کند تا متناسب با زمان به حرکت خود ادامه دهد.

این دلیل مشترک همه کشورها و مناطق است، بنابراین ما باید با پیروی از اصول رایزنی و مشورت گسترده، مشارکت متقابل و منافع مشترک، تحول در نظام حکمرانی جهانی را دنبال کنیم. ما باید برای تبدیل پیشنهادها به راهکارهای صحیح، با اجماع و اقدامات هماهنگ عمل کنیم. اینکه چه نوع نظم و نظام بین‌المللی برای جهان مناسب و برای مردم همه کشورها بهترین است؛ چین بر این باور است که باید از طریق رایزنی و مشورت با تمام کشورها تصمیم‌گیری شود و نه اینکه امور توسط یک کشور یا اقلیت کوچکی از کشورها دنبال شود. ما نقش فعالی را {در این راستا} ایفا خواهیم کرد، هماهنگی با همه طرف‌های ذیربط را تقویت کرده و صلح، توسعه، عدالت، برابری، دموکراسی، آزادی و دیگر ارزش‌های انسانی مشترک را ترویج خواهیم داد. این مهم باعث می‌شود تا نظام حکمرانی جهانی، منعکس‌کننده تغییرات در معماری بین‌المللی و اراده جامعه بین‌المللی بر روشی متوازن استوار شود.

چین حمایت فعال خود را برای اصلاح سازمان ملل متحد، کمک به برآورده کردن ضرورت‌های جدید حکمرانی جهانی در چارچوب دستورالعمل‌های بنیادین، و انجام بهتر وظایف مقرر شده در منشور سازمان ملل به کار خواهد بست و در پی آن، به ایفای نقشی بهتر و گسترده‌تر در حفظ صلح جهانی و ترویج توسعه همت می‌گمارد. ما از اصلاحات واجب در سازمان تجارت جهانی بر اساس برابری و عدالت حمایت می‌کنیم. چین بر این عقیده است که اصلاحات سازمان تجارت جهانی باید ارزش‌های اصلی و اصول اولیه خود را - به‌ویژه علایق و فضای سیاست کشورهای در حال توسعه - در نظر بگیرد. سازمان تجارت جهانی باید آزادسازی تجارت و تسهیل قانونمند تجارت جهانی، بهبود مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات تجاری و همچنین نقش بزرگتری را در توسعه یک اقتصاد آزاد و فراگیر ترویج کند. چین با جامعه بین‌المللی کار خواهد کرد تا به مسائل جهانی از جمله تغییر آب و هوایی، تروریسم، امنیت سایبری، امنیت انرژی و بلایای طبیعی شدید رسیدگی کند و به‌طور مشترک از سیاره‌مان محافظت کند.

چین تلاش‌های فعالی را برای پیشبرد سهمیه و اصلاح مدیریت صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی انجام می‌دهد که منعکس‌کننده تغییرات در معماری بین‌المللی است. ما نقش «گروه ۲۰» را به عنوان مجمع برتر برای همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، و کمک به تبدیل آن از یک تشکل و بدنه مدیریت بحران به یک مکانیزم حکمرانی موثر بلندمدت در حکمرانی اقتصاد جهانی، ارتقا خواهیم داد. در راستای پیشبرد و ارتقاء اقتصاد جهانی باز و فراگیر، چین در پی دستاوردهای جدید در همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC) است و به‌همین منظور اطمینان می‌دهد که طیف بیشتری از مردم از مواهب



ایدهٔ یک خانواده آسیا و اقیانوسیه و جامعه با آینده مشترک استفاده کنند. ما از پیشرفت مداوم و پایدار مکانیزم همکاری با بریکس اطمینان حاصل خواهیم کرد، تا این سازمان هم بتواند نقش بزرگتری را در بین بسترها و نهادهای بین‌المللی ایفا کند. ما به‌طور فعال ایده‌های مبتکرانه در حوزهٔ حکمرانی جهانی را ترویج می‌کنیم؛ عملکرد موفق و تجربه حکمرانی ملی را ارائه می‌دهیم و ارزش‌ها را در سنت فرهنگی خود جستجو می‌کنیم که امروزه همچنان به‌عنوان راهنمایی مثبت برای مناسبات خوب معتبر باقی مانده‌اند و می‌کوشیم تا در پرتو خرد و حکمت چینی، به راه‌حل‌ها و قدرت در حکمرانی جهانی کمک کنیم.



## نتیجه‌گیری

با نگاه به موفقیت‌های هفت دهه گذشته، ما مردم چین به همه دستاوردهای خود افتخار می‌کنیم. اما ما {هرگز} گرفتار خودشیفتگی یا درجا زدن نخواهیم شد. در این عصر جدید، چین در تعهد خود برای پیشبرد مسیر سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، تعقیب یادگیری متقابل، همکاری‌های سودمند دوجانبه و کار با سایر نقاط جهان متزلزل نخواهد بود. در آینده {نیز} چین با روشی بازتر و فراگیرتر جهان را در آغوش خواهد گرفت، تعامل بیشتری با سایر کشورها خواهد داشت و پیشرفت و رونق بیشتری را برای خود و بقیه جهان به ارمغان می‌آورد. در دنیای امروز، ما با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و امیدها، متغیرها و چالش‌ها روبرو هستیم. آینده همه کشورها هرگز تا این اندازه به یکدیگر مرتبط نبوده است. ما هر کدام سهم بالایی در آینده همه مردم جهان خواهیم داشت. تا زمانی که ما همان اهداف را حفظ کنیم و به صورت یکپارچه فرصت‌ها را به اشتراک بگذاریم و با چالش‌ها روبرو شویم، می‌توانیم یک جامعه جهانی با آینده مشترک بسازیم و دنیایی بهتر و روشن‌تر برای همه فراهم کنیم.